



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# بہترین نمونہ

چھل نکتہ دربارہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# برترین نعمت چهل نکته درباره غدیر

نویسنده:

سید کریم واعظ حسینی

ناشر چاپی:

زائر - آستان مقدس حضرت معصومه علیها السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	برترین نعمت چهل نکته درباره غدیر
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۵	پیشگفتار
۱۵	واقعه «غدیر»
۱۷	۱ - نگاهی به واقعه با شکوه غدیر خم
۲۳	۲ - « حدیث غدیر »، ممکن نیست ساختگی باشد!
۲۵	۳- نوشته های ویژه، درباره « غدیر »
۲۷	۴- راویان و گزارش دهندگان
۲۹	۵ - چند اعتراف !!!
۳۳	۶- جغرافیای غدیر
۳۵	۷ - ماجرای غدیر، همه جا آمده است!
۳۷	۸- امام علی علیه السلام و حدیث غدیر
۴۱	۹- حضرت فاطمه و از غدیر می گوید
۴۳	۱۰ - ویژگیهای منحصر بفرد «حدیث غدیر»
۴۵	۱۱ - اولی بودن در حدیث غدیر، به چه معناست؟
۴۷	۱۲ - نام های « غدیر »
۴۹	۱۳ - گزارشگران تبریک
۵۱	۱۴ - حکمت غدیر
۵۷	۱۵ - کدام روز، « اسلام » کامل شد؟
۶۱	۱۶ - « غدیر » در بیان امام خمینی قدس
۶۷	۱۷ - تاج گذاری امیر مؤمنان حضرت وصی علیه السلام

- ۱۸ - معنای «مولا» در کلام امام حسن عسکری \*
- ۱۹ - بیعت با علی لیلیا و تبریک به آن حضرت
- ۲۰ - «علی علیه السلام مولای شماست»، چه معنایی دارد؟
- ۲۱ - شیطان هم از غدیر می گوید!!
- ۲۲ - آثاری در رابطه با غدیر و امامت
- ۲۳ - دو یادگار جاودانه
- ۲۴ - «واقعۀ غدیر» در ادبیات
- ۲۵ - نخستین سراینده درباره غدیر
- ۲۶ - «غدیر» از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)
- ۲۷ - نشانه ای از «بزرگترین عید» در قرآن حکیم
- ۲۸ - «غدیر» در کلام اهل عصمت \*
- ۲۹ - عاقبت جنگ و جدال با خدای حکیم
- ۳۰ - آداب و اعمال روز «غدیر»
- ۳۱ - اگر غدیر نباشد!
- ۳۲ - غدیر مقتضای وجدان و خرد
- ۳۳ - خطبه امام علی طلا در سالگرد «غدیر خم»
- ۳۴ - «روز غدیر»، عید انبیاء و اوصیاء
- ۳۵ - «غدیر» در اشعار فارسی
- ۳۶ - یادی از دو پژوهشگر
- ۳۷ - معاویه ابن ابی سفیان و «غدیر خم»
- ۳۸ - آخرین «وصیت»
- ۳۹ - صاحب غدیر، خود را معرفی می کند
- ۴۰ - ما و غدیر
- منابع
- درباره مرکز

## برترین نعمت چهل نکته درباره غدیر

### مشخصات کتاب

سرشناسه : واعظ حسینی، سیدکریم، 1357 -

عنوان و نام پدیدآور : برترین نعمت چهل نکته درباره غدیر [کتاب] / سیدکریم واعظ حسینی.

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، 1394.

مشخصات ظاهری : 149 ص.؛ 14/5×21/5 س.م.

فروست : آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر؛ 499.

شابک : 50000 ریال: 7-414-180-964-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. 147-149؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق -- اثبات خلافت

موضوع : غدیر خم

موضوع : غدیر خم -- احادیث

رده بندی کنگره : BP223/5 و 24ب4 1393

رده بندی دیویی : 297/452

شماره کتابشناسی ملی : 3728895

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی\_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

اشاره





بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3



## فهرست مطالب

تصویر

□

ص: 5

تصوير

□

ص: 6

تصوير

□

ص: 7



واقعه و حدیث «غدیر» در فرهنگ و تفکر مسلمانان، به ویژه شیعیان، جایگاه بسیار برجسته ای دارد. اندیشوران شیعه، برای تبیین و اثبات حقانیت و مشروعیت مذهب «امامیه» / «دوازده امامی»، ادله و براهین فراوانی طرح، تبیین و تدوین نموده اند. واقعه بی مانند «غدیر» و «حدیث غدیر»، یکی از مهم ترین محکم ترین و مشهورترین دلایل های شیعیان است.

خطبه / حدیث غدیر، سند و حجت محکم و قاطعی است که عذر و بهانه ای برای هیچ کس در دوری از اهل بیت علیهم السلام باقی نمی گذارد.

در این نوشته برای آشنایی بیشتر با:

### واقعه «غدیر»

ابعاد گوناگون آن پدیده باشکوه

صحت، اعتبار، متواتر بودن و اتقان آن حادثه عظیم

وظیفه مسلمین در برابر «غدیر»

و پیام های گوناگون «غدیر خم»

اصالت و مشروع بودن مذهب تشیع و ... نکاتی تقدیم می گردد.

روش کار در این نوشته، ترکیبی از توصیف و تحلیل است. تلاش شده

از منابع و آثار معتبر و متنوعی استفاده گردد و در برخی مواضع برای تبیین یا اثبات مطلبی به منابع دست اول اهل سنت و شیعه استناد شده است. الحمد لله و المنة اولاً و آخراً.

ص: 10



## 1 - نگاهی به واقعه با شکوه غدیر خم

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و در سال دهم هجرت، قصد حج فرمود و این تصمیم را به مردم اعلام کرد. شمار بسیاری از مردم به مدینه آمدند تا با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه شوند. انجام آن فریضه در سال دهم هجری، با آخرین سال عمر شریف پیامبر و مصادف شد و از این روی آن را «حجة الوداع» نامیدند. (1) این حج را حجة الاسلام، حجة البلاغ، حجة الکمال و التمام نیز نامیده اند. (2)

افرادی که به شوق همسفری یا آموختن مراسم حج، همراه آن حضرت بودند، از هفتاد هزار تا صد و بیست هزار تخمین زده شده اند.

پس از پایان مراسم حج، حضرت در میان انبوهی از حجاج راهی مدینه شدند؛ در راه بازگشت، هجدهم ذی الحجة، زمانی که به منطقه «غدیر خم» رسیدند، فرشته وحی فرود آمده و پیامی ویژه ابلاغ کرد. در آن روز و در آن مکان، این آیه نازل شد: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (3)

ص: 11

---

1- علامه عبدالحسین امینی، الغدیر ج 1 ص 31 و 32. علامه میر حامد حسین هندی، عبقات الأنوار فی إثبات إمامة الأئمة الأطهار ج 1 و 2.

2- دایرة المعارف تشیع ج 12 ماده غدیر ص 31.

3- مائده 67

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم پرسیان و اگر نکنی، پیامش را نرسانده‌های و خداوند تو را از گزند) مردم نگاه می‌دارد. آری، خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.

پس از نزول آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله به کاروان‌ها دستور داد تا همانجا (در آبگیری به نام غدیر خم) توقف کنند و آنها که جلو افتاده‌اند برگشته و بازماندگان به این جمع پیوندند. آن حضرت در آن گرمای طاقت فرسا نماز ظهر را بجای آورد. سپس بر بالای منبری که از جهاز شتران ترتیب یافته بود، قرار گرفت و با صدای بلند و رسا خطبه‌ای ایراد نمود: [\(1\)](#)

((ستایش مخصوص خداوند است، از او یاری می‌طلبیم و به او ایمان داریم و بر او توکل می‌کنیم. از شر نفس‌های خود و بدی کردارهای خویش به پروردگار خود پناه می‌بریم. او خداوندی است که اگر کسی را گمراه کند، آن کس رهنمایی نمی‌یابد و اگر کسی را هدایت فرماید آن کس گمراه‌کننده‌ای نخواهد داشت.

من گواهی میدهم که معبودی نیست جز آفریدگار یکتا که بخشنده و مهربان است و شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست.

هان، ای مردم! خدای مهربان آگاه، مرا خبر داده است که دعوت حق را لبیک گفته و از میان شما می‌روم. من و شما مردم هر کدام بر حسب آنچه به

ص: 12

---

1- ناگفته نماند که «خطبه غدیر» از لحاظ کمی (مختصر و مفصل / کوتاه و بلند) به گونه‌های مختلفی نقل شده است. آنچه در این نوشتار طرح شده، گزارشی است که مرحوم علامه امینی در «الغدیر» بیان نموده است. برای آگاهی از گونه‌های مختلف از «حدیث خطبه غدیر»، ر.ک: ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 198 تا 214

عهده داریم، مسؤولیم. اینک اندیشه و گفتار شما چیست؟

مردم گفتند: ما گواهی می‌دهیم که تو آیین خدا را ابلاغ نمودی و به ما خیر خواهی و نصیحت کردی و در این راه کوشش نمودی. خداوند به تو پاداش نیک بدهد.

آنگاه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله پرسید: آیا شما شهادت نمی‌دهید که معبودی جز خدای یکتای نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست؟ آیا گواهی نمی‌دهید که بهشت، دوزخ و مرگ حق است؟ و آیا گواهی نمی‌دهید که روز رستاخیر بدون شک فرا خواهد رسید و خداوند افرادی را که در دل خاک پنهان شده‌اند، زنده خواهد کرد؟

گفتند: آری، شهادت می‌دهیم.

پس فرمود: بار خدایا گواه باش. آنگاه پرسید: آیا صدایم را می‌شنوید؟ جواب دادند: آری. آنگاه فرمود: ای مردم! من پیشاپیش شما می‌روم و شما در کنار حوض کوثر بر من وارد خواهید شد و من در آن هنگام از دو چیز گرانبها که در میان شما به یادگار می‌گذارم، خواهم پرسید. پس دقت کنید که پس از آن دو چگونه رفتار خواهید کرد؟

در اینجا یک نفر از میان جمع، پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم! آن دو چیز گرانبها چیست؟

فرمود: یکی کتاب خداست که از یک طرف در دست خداست و از سوی دیگر در دست شما. آن را نیکو نگه دارید و دستوراتش را به کار بندید و آن را با چیزی عوض نکنید که گمراه خواهید شد و دیگری عترت و اهل

بیت من است. خدایم به من خبر داده است که دو یادگار من تا روز رستاخیز، از هم جدا نمی شوند.

هان ای مردم! بر کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام من پیشی نگیرید و از آن دو عقب نمانید تا نابود نشوید.

در این موقع پیامبر دست علی علیه السلام را گرفت و بالا برد به طوری که سفیدی زیر بغل هر دو دیده شد و همه آن جمعیت او را شناختند؛ سپس فرمود: «أیها الناس من أولى الناس بالمؤمنین من أنفسهم»: ای مردم! کیست که بر مؤمنان، از خود آنها مقدم تر و اولی است؟

گفتند: خدا و پیامبر او بهتر می دانند.

پیامبر فرمود: «إن الله مولای و أنا مولی المؤمنین و أنا أولى بهم من أنفسهم، فمن كنت مولاه فعلى مولاه»: خداوند مولای من است و من مولای مؤمنان هستم و بر آنها از خودشان سزاوارتر و اولی هستم، پس هر کس من مولای او هستم، علی علیه السلام مولای اوست؛ و این جمله را سه بار تکرار نمود. (1)

سپس گفت: خدایا! دوست بدار کسی را که علی علیه السلام را دوست بدارد و دشمن بدار کسی را که علی علیه السلام را دشمن بدارد؛ خدایا! یاران علی را یاری کن و دشمنان او را خوار و ذلیل نما؛ پروردگارا! علی را محور حق، قرار بده.

و سپس در ادامه فرمود: لازم است حاضران به غایبان خبر دهند و

ص: 14

---

1- احمد بن حنبل، پیشوای حنبله در مسند خود ج 1 ص 118 می گوید: این جمله را پیامبر صلی الله علیه و آله چهار بار تکرار نمود.

دیگران را از این حادثه مطلع سازند. (1) و در پایان فرمود: خدایا! شاهد باش.

هنوز اجتماع پرشکوه، به حال خود برپا بود که فرشته وحی فرود آمد و به پیامبر گرامی، بشارت داد که: .. الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ..... (2) امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان) آیین برگزیدم.

در این لحظه صدای «الله اکبر» پیامبر بلند شد و گفت: خدا را سپاسگزارم که آیین خود را کامل گردانید و نعمت خود را به پایان رسانید و از رسالت من و ولایت علی علیه السلام خشنود گشت. (3)

ص: 15

---

1- علامه سید مرتضی عسکری، ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت پیامبر ص 63. آیت الله سبحانی، عقاید اسلامی، ص 490.

2- سوره مائده آیه 3

3- منابع پیشین و علامه عبد الحسین امینی، الغدير ج 1 ص 31 به بعد.



## 2 - « حدیث غدیر »، ممکن نیست ساختگی باشد!

خواجه نصیر الدین طوسی در کتاب معروفش می نویسد: « و لحدیث الغدیر المتواتر »: از جمله دلایل امام و وصی بودن علی، حدیث متواتر غدیر است. (1)

متواتر یعنی چه؟

تواتر یعنی بالاتر از تبانی (هم دست شدن برای انجام کاری) باشد. مثلاً ممکن است ده نفر با همدیگر تبانی کنند که بگویند ما فلان خبر را از رادیو شنیدیم. ولی گاهی قضیه به حدی می رسد که اصلاً نمی شود احتمال داد که تبانی باشد. مثلاً شما می روید به جنوب تهران می بینید شخصی می گوید رادیو چنین چیزی گفته. بعد می روید شرق تهران می بینید افرادی آن خبر را نقل می کنند. بعد می روید غرب تهران همینطور. نمی توانید احتمال بدهید که همه اینها با یکدیگر تبانی کرده اند. این را تواتر می گویند.

شیعه مدعی است که نقل خبر غدیر در حدی است که ما، احتمال تبانی هم در آن نمی توانیم بدهیم و بگوئیم مثلاً چهل نفر از صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم تبانی کردند بر یک دروغ، خصوصاً که بسیاری از ناقلان این خبر، جزء دشمنان علی علیه السلام بوده یا از طرفداران ایشان شمرده نشده اند. اگر ناقلان فقط از تیپ سلمان و ابوذر و مقداد یعنی همانها که دور علی

ص: 17

---

1- خواجه نصیر الدین، تجرید الاعتقاد ص 516 از شرح علامه شعرانی.

می چرخیدند بودند، می شود احتمال داد که اینها علاقه مفروطی به علی علیه السلام داشتند و با تبانی چنین حرفی زده اند. در حالیکه این خبر را کسانی نقل کرده اند که علاقه ای به علی علیه السلام نشان نداده اند.<sup>(1)</sup>

عارف بزرگ، مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، درباره دلالت احادیثی مانند « حدیث غدیر » می فرماید: «قسم به آن کسی که دانه و حبه را آفریده و از شکافتن آنها گیاه را می رویاند، فضایل علی امیر المؤمنین علیه السلام بلکه آن را مخالفان بلکه ناصبیان هم روایت کرده اند، از حد تواتر گذشته است؛ بلکه خود « حدیث غدیر » و تصریح پیامبر و به اولویت او، در روایات آنها نیز بیش از حد تواتر است، چه رسد به روایات شیعه.

حتی ابن حجر عسقلانی<sup>(2)</sup> با اینکه ناصبی است درباره « حدیث غدیر » حکم می کند به اینکه بیشتر از سی نفر از صحابه به طرق صحاح و تن، آن را روایت کرده اند. هر کس تفصیل تمام آن و بیشتر و بالاتر را بخواند، به کتاب « عبقات الانوار »<sup>(3)</sup>، تألیف: سید العلماء الاعلام میر حامد حسین (رحمت الله علیه) مراجعه کند؛ زیرا نه در اسلام و نه در سایر ادیان، مانند این کتاب در اثبات وصایت و جانشینی، نوشته نشده است.<sup>(4)</sup>

ص: 18

---

1- آیت الله شهید مطهری، امامت و رهبری ص 76.

2- شیخ محمد بن محمد بن علی أبو الفضل کنانی عسقلانی مصری شافعی معروف به ابن حجر که جلالت و فضائل او در نزد مترجمین اهل تسنن، جای شبهه نیست. شهرت عمده او در فن حدیث است و «فتح الباری»، در شرح صحیح بخاری اثر برجسته اوست.

3- «عبقات الانوار فی اثبات إمامة الائمة الاطهار» اثری است عظیم در باب مباحث امامت و شناخت امامان از اهل بیت علیهم السلام. در خصوص این نوشته در نکته شماره «36» مطالبی طرح شده است.

4- میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه علیرضا خسروی، بخش مراقبتهای ذی الحجة ص 466.



### 3- نوشته های ویژه، درباره « غدیر »

درباره « حدیث غدیر »، ده ها کتاب و رساله ویژه و مستقل نوشته شده است. آثاری که درباره غدیر نوشته شده، از قرن دوم هجری آغاز و تا قرن حاضر ادامه یافته است. علامه فقید سید عبد العزیز طباطبایی در کتاب « الغدیر فی التراث الاسلامی » با معرفی 184 عنوان کتاب مستقل، کاری عظیم در احیای فرهنگ غدیر به انجام رسانده است.

برخی از آثار مخصوص به «غدیر» عبارتند از:

1- الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب ؛ علامه عبد الحسین امینی (متوفای 1390 ق)؛ این کتاب در یازده مجلد چاپ شده است که اثری بی نظیر در خصوص واقعه و حدیث غدیر است.

2- الولاية في طرق حدیث الغدیر؛ تألیف: محمد بن جریر طبری، مورخ معروف (متوفای 310 ق)، وی در این کتاب، حدیث غدیر را از بیش از هفتاد طریق روایت کرده است.

3- الولاية؛ تألیف: ابوالعباس احمد بن محمد همدانی معروف به ابن عقده (متوفای 332 ق)؛ وی حدیث غدیر را از طرق فراوانی نقل کرده است. سید بن طاوس از بزرگان شیعه در الاقبال (ص 453) می نویسد: کتاب ابوالعباس درباره حدیث غدیر نزد من موجود است و او حدیث غدیر را از

4- نور الامیر علیه السلام فی تثبیت خطبة الغدیر؛ (2) تألیف: امیر تقدیمی معصومی؛ در این اثر تتبع و تلاش فراوان شده تا تمام فقرات و بندبند خطبه «غدیر» از طریق منابع حدیثی اهل سنت، تأیید و تثبیت گردد.

5- چهارده قرن با غدیر؛ تألیف: محمد باقر انصاری زنجانی؛ این اثر توسط انتشارات «دلیل» در سال 1379 ش به چاپ رسید. نوشتار مذکور، مطالب متنوعی را از قبیل: اتمام حجت ها از طرف معصومان بوسیله «غدیر»، بحثهای علمی، مناظرات، میراث مکتوب، شعر و ادبیات و ... دربردارد.

ناگفته نماند که در کتاب «غدیر در آئینه کتاب»: تألیف: محمد انصاری (معاصر)، 414 اثر نگارش یافته درباره غدیر به زبانهای مختلف، معرفی شده است. در چاپ چهارم این کتاب، 673 کتاب به 18 زبان معرفی شده است که زبانهای آلمانی، روسی، اسپانیایی، فرانسوی، تایلندی، تاجیکی و ... نیز اضافه شده است. (3)

ص: 20

---

1- استاد علی ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 220.

2- این اثر توسط نشر «مولود کعبه» در سال 1379 ش

3- نوشته محمد انصاری، ناشر: انتشارات دلیل ما، قم.

#### 4- راویان و گزارش دهندگان

ماجرای غدیر خم، چون در یک شرایط استثنایی و در یک جمع بی نظیری واقع شده است، مقتضای طبیعی چنین واقعه ای این است که گزارش کنندگان، پرشمار باشند. علاوه بر این، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و نیز دستور اکید داده بود که پس از برگشت به وطن، آن را برای دیگران بازگو کنند.

« واقعه و حدیث غدیر » در منابع شیعه به صورت متواتر روایت شده است. علما و محدثان شیعه، این حدیث را هم از امامان اهل بیت علیهم السلام الا و هم از صحابه پیامبر روایت کرده اند.

سید هاشم بحرانی، در غایة المرام، بیش از چهل روایت درباره غدیر نقل کرده است و علامه مجلسی در بحار الانوار، جلد 37، یکصد روایت از

راه های مختلف نقل نموده است.

\* علامه امینی در کتاب «الغدیر»، حدیث غدیر را از 110 نفر از صحابه، 84 از تابعین و از 360 نفر از اندیشمندان اسلامی نقل کرده است. [\(1\)](#)

\* علامه امینی، برای اثبات اینکه " واقعه و حدیث غدیر را همه نوشته و روایت کرده اند، در جلد یکم «الغدیر» فصلی گشوده به نام: طبقات

ص: 21

---

1- علامه عبد الحسین امینی، الغدیر ج 1.

راویان حدیث غدیر از میان علماء. ایشان از قرن دوم تا قرن چهاردهم، 360 شخصیت علمی جهان اسلام را نام می برد که همگی از روایت کنندگان حدیث غدیر می باشند. (1) به عنوان نمونه:

ابو جعفر طبری (متوفای 310ق)، حافظ ابن مردویه اصفهانی (متوفای 410ق)، ابونعیم اصفهانی (متوفای 430ق)، خطیب بغدادی (متوفای 463ق)، حافظ ابوسعید سجستانی (متوفای 430ق)، ابوالقاسم حسکانی (متوفای 470ق)، ابن عساکر شافعی (متوفای 571)، خطیب خوارزمی (متوفای 568ق) و شیخ الاسلام حمویی حنفی (متوفای 722ق) از راویان حدیث «غدیر» هستند.

\* همچنین جناب علامه امینی، در جلد یکم الغدیر، به معرفی 26 دانشور می پردازد که هر کدام در مورد «غدیر» کتاب و رسالهای مستقل و ویژه پدید آورده اند. (2)

از این رو در اصالت، اعتبار و صدور این حدیث از پیامبر اعظم %، جای هیچ تردیدی نیست.

ص: 22

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 167 تا 312. مرحوم امینی در ضمن 145 صفحه، 360 شخصیت را نام برده و گاه به معرفی اجمالی آنان می پردازد.

2- الغدیر، ج 1، ص 313 تا 324.

غالب متفکران و علمای اسلام (از فرقه های مختلف از « حدیث و واقعه غدیر خم » سخن رانده اند؛ اکثریت قاطع اندیشوران اهل سنت، حدیث «غدیر» را معتبر و غیر قابل تردید دانسته اند؛ البته برخی از ایشان، آن را متواتر یا مستفیض و برخی دیگر آن را خبر صحیح شمرده اند. [\(1\)](#) در اینجا به ذکر چند نمونه بسنده می کنیم:

1- شمس الدین ذهبی شافعی (متوفای 748ق) در تلخیص المستدرک گفته است: صدر حدیث "من كنت مولاه فعلي مولاه" متواتر است و من به صدور آن از پیامبر به یقین دارم. و جمله "اللهم وال من والاه" نیز سندش قوی است. این سخن وی را آلوسی در روح المعانی و ابن کثیر در البداية والنهاية نقل کرده اند. [\(2\)](#)

2- جلال الدین سیوطی شافعی (متوفای 911ق) می نویسد: «این حدیث متواتر است». [\(3\)](#)

ص: 23

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 167 تا 312. علی ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 184 تا ص 197.

2- علی ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 186.

3- 3. علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 552. براهین و نصوص امامت ص 187.

3- ابن حجر عسقلانی از بزرگان شاخص در فن حدیث (متوفای 852ق) می گوید: « حدیث " من كنت مولاه فعلى مولاه " را ترمذی و نسایی روایت کرده اند و طرق آن جدا بسیار است؛ ابن عقده آنها را در کتابی (مستقل) نقل کرده است و بسیاری از سندهای آن صحیح و حسن است»<sup>(1)</sup>.

4- عبد الحق دهلوی (متوفای 1052ق) می گوید: « این حدیث صحیح است و تردیدی در آن نیست. عده ای مانند: ترمذی، نسایی و احمد (پیشوای حنبلیها) آن را روایت کرده اند. طرق آن بسیار است؛ شانزده نفر صحابی آن را روایت کرده اند. در روایتی آمده است که سی نفر از صحابه، آن را از پیامبر شنیده و برای علی و در زمان خلافتش شهادت دادند و بسیاری از اسانید آن صحیح و ممن است و به سخن کسی که در صحت آن اشکال کرده، اعتنایی نمی شود.»<sup>(2)</sup>

5- دانشمند مشهور، شارح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی (متوفای 655ق) گفته است: حدیث غدیر، یکی از روایات شایع در فضائل امیر المؤمنین علیه السلام است. وی همچنین در موضعی دیگر، حدیث غدیر را جزء روایات مشهور و مستفیض می داند.<sup>(3)</sup>

6- مولوی ولی الله لکهنوی: این حدیث، صحیح است و طرق متعددی

ص: 24

---

1- فتح الباری ج 7 ص 74.

2- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 558. به نقل از استاد علی ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 189.

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ج 9، ص 166 و ج 6 ص 167؛ به نقل از استاد علی ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 190.

و دارد و کسی که در صحت آن اشکال کرده به خطا رفته است. (1)

7- احمد بن حنبل، پیشوای حنبلیها (متوفای 241ق) در کتاب «المسند» جلد 14، با سند معتبر از ابوظفیل نقل کرده که علی مردم را در رحبه (منطقه ای در کوفه) جمع کرد و به آنان گفت: هر کس که واقعه غدیر را دیده و شنیده است، به خدا سوگند می دهم که به آن شهادت دهد؛ در این هنگام، سی نفر برخاستند و گواهی دادند. (2)

8- ابوحامد غزالی (متوفای 505ق): این اندیشمند مشهور و مقبول جهان اسلام در کتاب «سیر العالمین» می گوید: «أجمع الجماهير على متن الحديث من خطبته صلى الله عليه وسلم في يوم غدیر خم باتفاق الجميع و هو يقول: من كنت مولاه فعلي مولاه»؛ فقال عمر: بخ لك يا أبا الحسن لقد أصبحت مولاي و مولی كل مؤمن و مؤمنة»: همگان اتفاق دارند بر اینکه متن حدیث (حدیث غدیر)، بخشی از خطبه پیامبر در روز غدیر خم می باشد که فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم، علی مولای اوست. سپس عمر گفت: به به، آفرین بر تو باد ای پسر ابوطالب، به درستی که مولای من و مولای هر مرد و زن با ایمانی شدی. (3)

ص: 25

---

1- به نقل از علی ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 190.

2- احمد بن حنبل، المسند ج 14 ص 436، حدیث 19198. به نقل از علی ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 200.

3- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 516.





## 6- جغرافیای غدیر

غدیر خم، نام ناحیه ای در میان مکه و مدینه است که بر سر راه حاجیان قرار دارد و به خاطر وجود برکه ای (آبگیر) در این محل که در آن آب باران جمع می شده، به این نام شهرت یافته است.

غدیر در 3-4 کیلومتری جحفه واقع شده و جحفه در 64 کیلومتری مکه قرار دارد که یکی از میقات های پنجگانه است. در جحفه راه اهالی مصر، مدینه، عراق و شام از یکدیگر جدا می شود. غدیر خم به سبب وجود آب و چندین درخت کهنسال، محل توقف و استراحت کاروانیان بود؛ اما گرمایی طاقت فرسا داشت. (1)

ص: 27

---

1- رجوع: دایرة المعارف تشیع، مادة (غدیر).



## 7 - ماجرای غدیر، همه جا آمده است!

حدیث غدیر از برخی جهات ممتاز است از جمله اینکه در اکثر شاخه های علوم اسلامی به آن توجه شده است:

\* در علم لغت: لغت شناسان عرب، هنگام بیان معنای واژگانی چون «مولی»، «ولی»، «غدیر» و «خم» از واقعه غدیر یاد کرده اند.

\* در علم تاریخ: مورخان اسلامی آنجا که از حوادث سال دهم هجری گزارش داده اند، به ماجرای غدیر خم پرداخته و از حدیث یا خطبه غدیر سخن گفته اند.

\* در شعر و ادب: شاعران بلند آوازه از نخستین لحظه ای که حدیث غدیر از پیامبر صادر شد تا زمان حاضر به زبانهای گوناگون درباره غدیر، اشعار و متن های ادبی بسیاری انشاء نموده اند. علامه امینی، نام بیش از یکصد نفر شعرای بنام را که طول تاریخ اسلام، درباره غدیر سروده دارند، در کتاب شریف «الغدیر» آورده است.

\* در علم حدیث: یکی از حدیث هایی که از دیر زمان مورد عنایت راویان و حدیث نویسان بوده، حدیث غدیر است.

\* در علم تفسیر: مفسران اسلامی، شیعه و سنی، در تفسیر آیاتی که مربوط به واقعه غدیر است، به ویژه آیات 3 و 67 مائده، درباره غدیر

سخن گفته اند.

\* در علم کلام و عقاید: اهل کلام و عقاید، آنجا که در مورد ادله خلافت امیر المؤمنین علی علیه السلام، بحث و جدل می کنند، حدیث غدیر را به صورت دقیق و موشکافانه، ارزیابی می کنند. (1)

ص: 30

---

1- جهت آگاهی تفصیلی به نکات مذکور، ر.ک: علامه امینی، الغدیر جلد او 2. علی ربانی گلپایگانی، براهین و نصوص امامت ص 215.

## 8- امام علی علیه السلام و حدیث غدیر

پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، اهل بیت علیهم السلام\* ایشان به ترویج و نشر «غدیر» پرداختند. امیرالمؤمنین این کار را آغاز کرد و صدیقه طاهره نیز در این باره در موارد متعدد به یاری او شتافت. (1)

علامه امینی از منابع اهل سنت نقل می کند که: امام علی علیه السلام در مواضع متعددی به حدیث غدیر در اثبات حقانیت خویش، استشهاد نموده است از جمله:

1- پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم: زمانی که به زور می خواستند از امام علی علیه السلام ای برای ابوبکر بیعت بگیرند، حضرت در چندین موضع فرمود: ای گروه مهاجرین و انصار، شما را به خدا قسم میدهم، آیا شنیدید که پیامبر در «غدیر خم» چنین و چنان گفت و....

2- در جنگ جمل: طلحه در جنگ جمل در طرف مخالف قرار داشت،

حضرت پیکی به سوی او فرستاد تا او را ملاقات کند؛ وقتی پیش حضرت آمد. حضرت فرمود: قسم می دهم تو را به خدا! آیا شنیدی سخن پیامبر را که فرمود: «هر کس من مولای او هستم، علی مولا و سرور اوست و...»؟

گفت: بله، شنیدم.

ص: 31

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 327 به بعد.

فرمود: پس چرا با من به جنگ برخاسته ای؟

گفت: فراموش کرده و در خاطر من نبود. پس طلحه برگشت و پاسخی نداد. (1)

3- در «رحبه» (محل ای از کوفه): احمد بن حنبل، یکی از پیشوایان اهل سنت در «مسند» خود می گوید: علی به مردم کوفه را در میدانی در کوفه به نام «رحبه» جمع نموده و فرمود: هر کس واقعه غدیر را دیده و شنیده است، به خدا قسم می دهم که شهادت دهد. در این هنگام سی نفر برخاستند و شهادت دادند. (2)

ابن ابی الحدید می گوید: جمعی برخاستند و گواهی دادند، ولی انس بن مالک همچنان نشسته بود؛ حضرت رو به او کرد و فرمود: تو که آن روز بودی، چرا بر نمی خیزی؟

گفت: ای امیر المومنین علیه السلام! من پیر شده ام (چیزی به خاطر نمی آورم).

حضرت فرمود: اگر دروغ می گویی، خداوند تو را به بیماری سفیدی (برص) مبتلا کند که عمامه هم آن را نپوشاند. ابن ابی الحدید در ادامه می نویسد: انس از دنیا نرفت تا اینکه نفرین علی لیلی در حق او گیرا شد. (3)

4- در جنگ صفین حضرت در آغاز جنگ در میان لشکریان خود، سخنانی بیان کرد و در آنجا به ولایت و انتصاب خود در غدیر اشاره نمود:

ص: 32

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 380. علامه امینی، گفتگوی حضرت با طلحه را از چندین دانشمند درجه یک اهل سنت گزارش می دهد.

2- مسند احمد ج 7 ص 82 علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 339 به بعد.

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ج 2 ص 288.

«آیا نشنیده اید سخن پیامبر را در روز غدیر که در مورد ولایت و دوستی من فرمود؟» (1)

5- در جمع شورا: در جمعی که عمر برای تعیین خلیفه پس از خود، تعیین کرده بود، حضرت در آن محفل هم به جریان غدیر و شایسته بودن خود، اشاره می کند و از جمله می فرماید: شما را قسم به خدا، آیا در میان شما کسی هست که پیامبر او را در غدیر خم، نصب کرده باشد؟ و در مورد او گفته باشد: من کنت مولاه فعلی مولاه؟ گفتند: نه. (2)

ص: 33

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 394.

2- همان ص 339 به بعد.





## 9- حضرت فاطمه و از غدیر می گوید

یکی از بزرگترین مدافعان ولایت، حضرت صدیقه طاهره!! بود. فاطمه زهرا!! در عمر کمتر از سه ماهه خود پس از رحلت پیامبر %، بارها جریان

غدیر» را برای مردم تذکر داد:

یکم: برخی از بزرگان اهل سنت نقل کرده اند: هنوز از رحلت پیامبر گرامی % یک هفته نگذشته بود که دخترش در میان مردم به ابوبکر، فرمود: آیا فراموش کردید سخن پیامبر را در روز غدیر خم که فرمود: هر کس من مولا و سرور او هستم، علی مولا و سرور او است و نیز این سخن که به علی فرمود: مقام و منزلت تو نزد من، همانند منزلت هارون نزد موسی است. (1)

دوم: در موضعی دیگر، وقتی برخی از انصار سخنان قاطع حضرت زهران را شنیدند، گفتند: اگر پیش از بیعت با ابوبکر این حرفها را می شنیدیم، او را بر علی ترجیح نمیدادیم. حضرت در این هنگام فرمود: « و هل تک ابی یوم غدیر خم لأحد عذراه: آیا پدرم با کارهایی که در غدیر خم انجام داد برای کسی عذر و بهانه گذاشت؟ (2)

یعنی، با وجود حماسه ای بی نظیر و آشکار در میان بیش از صد هزار نفر،

ص: 35

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 394 به بعد.

2- خصال صدوق ج 1 ص 173 به نقل از آیت الله جوادی آملی، شمیم ولایت ص 239.

هیچ کس عذر و بهانه ای برای ترک علی و یاری نکردن او ندارد.

سوم: دختران حضرت موسی بن جعفر، حضرت فاطمه معصومه زینب و ام کلثوم (سلام الله علیهن) از فاطمه دختر امام صادق، از فاطمه دختر امام باقر ع، از فاطمه دختر امام سجاد، از فاطمه و سکینه دختران امام حسین علیه السلام، از ام کلثوم دختر فاطمه زهرا!!، نقل کرده اند که: حضرت زهرا!! خطاب به مردم فرمود: آیا سخن پیامبر را در غدیر خم فراموش کردید؟(1)

علامه امینی این روایت را که سلسله وار هر یک فاطمه ها و از عمه بزرگوار خود نقل کرده اند، از دو محدث اهل سنت، جرزی شافعی و ابو موسی مدینی، نقل می کند.(2)

ص: 36

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 364 به بعد.

2- همان.

یکم. در غالب دانش های اسلامی، مانند: لغت، شعر و ادب، تفسیر، تاریخ و ... این حدیث طرح شده است.

دوم. احادیث دیگر در حضور نمایندگان همه طوایف مسلمانان نبود، ولی این حدیث در جایی صادر گشت که از هر طایفه گروهی به حج آمده بودند و پیامبر %% و آن را به گوش همه رسانید.

سوم. پیامبر رحمت %% این حدیث را هنگام جدا شدن قافله ها از هم (در غدیر خم که چهار راه جدایی بود) بیان کرد؛ و البته آخرین سخن و توصیه بهتر در یاد شنونده می ماند و اگر در مکه یا منی به ولایت و خلافت تأکید می کرد، مطلب ولایت در ذهن با دیگر مطالب آمیخته می شد.

چهارم. مردم عادت دارند از هر کس، آخرین وصیت و سخن او را فراگیرند. اگر کسی در طول عمر خود سخن یا وصیتی داشته باشد ولی در آخر عمر چیزی نگوید، مردم به آن سخنان پیشین، زیاد اعتناء نمی کنند. اما هنگام مرگ یا نزدیک آن، اگر سفارشی کند مانند ساخت مسجد، همه آن را جدی می گیرند. پیامبر و در آخرین سفر و پس از آنکه از نزدیکی وفات خویش خبر می دهد، علی عه را به جانشینی نصب نموده و همه را به پیروی از او فرا خواند. اینست که واقعه غدیر، در همه نقاط کشور اسلامی پیچید

پنجم. دلالت «حدیث غدیر»، بر ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و در امور دنیوی و دینی، صریح و خالی از هر گونه ابهام است. این حدیث معنایش در پیش خواص و توده مردم چنان واضح است که نمی توان بهانه تراشی کرده و معنای آن را تأویل کرد. بر خلاف برخی از احادیث دیگر که فهم امامت و خلافت از آن نیاز به دقت دارد.

ششم. سند و پشتوانه آن به قدری محکم است که هیچ خاص و عامی در صدور آن از پیامبر % شک نمی کند؛ چرا که صدها شخصیت علمی از فرقه های مختلف، واقعه و حدیث غدیر را منعکس کرده اند. [\(1\)](#)

ص: 38

---

1- جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به: علامه شعرانی، شرح تجرید الاعتقاد ص 516.

## 11 - اُولی بودن در حدیث غدیر، به چه معناست؟

پیامبر اعظم و در خطبه غدیر، پیش از جمله « من كنت مولاه فعلى مولاه ، خطاب به جمع حاضر فرمود: أَلست أُولی بکم من أنفسکم؟ آیا من نسبت به شما از خود شما برتر و اُولی نیستم؟! (1) و در برخی نقلها آمده که فرمود: أَلست أُولی بالمؤمنین من أنفسهم؟ آیا من نسبت به مؤمنان از خود آنها برتر نیستم؟ که همه گفتند: آری، ای رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم-

پیامبر و پس از اینکه آنان به اولویت او نسبت به مؤمنان اقرار کردند، بیدرنگ فرمود: من كنت مولاه فعلى مولاه هر کس من مولای او هستم، یعنی بر او اولویت دارم، على مولای اوست؛ یعنی بر وی اولویت دارد.

به راستی چرا پیامبر به ابتدا به شکل سؤال، اقرار می گیرد که «چه کسی بر مؤمنان مقدم و اُولی است؟» و اصلاً معنای « اُولی » بودن کسی بر دیگری چیست؟

منظور از این «اولویت»، آنست که پیامبر اعظم %% بر مسلمانان ولایت و امامت دارد و هر گاه درباره امور دین و دنیا حرفی بزند یا تصمیمی بگیرد، بر همه واجب است که تابع کلام پیامبر باشند؛ چرا که او خلیفه خدا و «ولی

ص: 39

---

1- در برخی از روایات چنین آمده: کیست که بر مؤمنان، از خود آنها مقدم تر و اُولی ست؟

الله» است و بر انس و جن « ولایت » دارد.

پس معنای «مولا» در روایت، همان اولی بودن، ولایت داشتن و امام بودن است؛ چرا که اگر مقصود پیامبر%% « مولا»، دوست و یا باور بود، اولاً: با جمله قبلی متناسب نبود، چرا که لازم نبود ولایت و اولی بودن خود را مطرح کند. ثانیاً: محض دوستی و موالات با هم دیگر در اسلام، مخصوص علی نمی باشد و همه مسلمانان و مؤمنان باید نسبت به هم دوستی و محبت داشته باشند.

به همین دلیل است که حضرت علی علیه السلام در خطبهای می فرماید: به خدا سوگند، من از همه مردم به خود آنها «اولی» بوده و ولایت دارم: فوالله إني الأولی الناس بالناس. (1)

ص: 40

---

1- نهج البلاغه خطبه 118.

## 12- نام های « غدیر »

در منابع دینی از روز «غدیر خم» با عنوان های گوناگونی یاد شده است که نشانگر اهمیت و عظمت مساله امامت و جانشینی می باشد؛ در این مجال به برخی از اسامی اشاره می شود:

- 1- عبد الله الأكبر: روزی که بزرگترین عید خداوند است.
- 2- العید الأكبر: بزرگترین عید.
- 3- یوم عید اهل بیت محمد: روز عید اهل بیت محمد.
- 4- یوم الفصل: روز جدایی حق از باطل.
- 5- یوم مرممة الشیطان: روز ناخرسند شدن شیطان.
- 6- یوم عید و فرح و سرور: روز عید و شادمانی و سرور.
- 7- یوم التبا العظیم: روز خبر بزرگ.
- 8- یوم الميثاق المأخوذ: روز پیمان گرفته شده.
- 9- یوم العبادة: روز عبادت کردن.
- 10- یوم شمعون: روز شمعون بع؛ جانشین حضرت عیسی.
- 11- یوم شیث: روز شیث؛ وصی و جانشین حضرت آدم.
- 12- یوم الإرشاد: روز راهنمایی کردن.
- 13- هو اليوم الذي أكمل الله به الدين: روزی که در آن خداوند دین را

کامل ساخت .

14 - يوم إطعام الطعام: روز طعام و غذا دادن.

15 - يوم البشارة: روز مژده دادن.

16 - يوم البرهان: روزی که در آن دلیل محکم و استواری واقع شده است.

17 - يوم التودد: روز مهربانی

18 - يوم البيان عن حقایق الإیمان: روز بیان کردن بنیادهای پایدار ایمان

19 - يوم الرضا: روز خوشنودی.

20 - يوم الزينة و يوم التهنية: روز آراستن و زینت کردن و روز تبریک و شاد باش گفتن. [\(1\)](#)

ص: 42

---

1- این اسامی در متون متعددی آمده است از جمله: الاقبال: سید بن طاووس ص 464. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به: حسن ملک محمدی، هزار نکته درباره غدیر ص 482.



پس از مراسم جانشینی، افراد حاضر در غدیر خم، این پیشوایی و مسئولیت را به حضرت امیر علی تبریک و شادباش می گفتند؛ تاریخ اسامی برخی از مشاهیر را ثبت نموده است. علامه امینی در کتاب «الغدیر»<sup>(1)</sup>، 60 تن از مورخان و راویان اهل سنت را نام می برد که تبریک گفتن خلفای اهل سنت را ثبت نموده اند. به اسامی برخی اشاره می شود.

1- احمد بن حنبل: پیشوای حنبلی ها، متوفای: 241ق.

2- محمد بن جریر طبری: مورخ معروف: متوفای: 310ق.

3- قاضی ابوبکر باقلانی: متکلم بزرگ اشعری مسلک، متوفای: 403ق.

4- ابو حامد غزالی: از بزرگان و مشاهیر اهل سنت: متوفای: 505ق.

5- ابوالفتح اشعری شهرستانی: متوفای: 548ق.

6- فخر الدین رازی: از متفکران بزرگ اهل سنت، متوفای: 606ق.

7- جلال الدین سیوطی: متوفای: 911ق.

ص: 43

---

1- رجوع به: علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 510 تا 527.



پرسش اساسی اینست که چرا حضرت علی علیه السلام و از طرف پیامبر ا معرفی شد؟ اصلا حکمت و فلسفه تحقق غدیر چیست؟ آیا پدید آوردن غدیر خم و در واقع تعیین جانشین از طرف پیامبر، امری معقول و ضروری بود؟ یا اینکه سخن اهل سنت، صحیح است؟ که می گویند: پیامبر برای خود، جانشین مشخص نکرد و خلافت و مدیریت پس از خود را به مردم سپرد که ایشان جانشین را انتخاب کنند. (1)

از دیدگاه شیعه؟ (2)

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، محال است که برای دین و دنیای مردم، جانشین تعیین نکرده باشد. چرا؟ زیرا اگر رئیس قومی و بزرگی بخواهد از میان قومش برود، عقلاء می گویند: باید آن قوم را بی سرپرست نگذارد؛ چه رسد به اینکه سفر آخرت باشد و دیگر به میان قومش بر نخواهد گشت.

به ویژه اگر آن بزرگ و سرور، دلسوز و مهربان باشد، حتما کسی را معین می کند تا در نبود او، کارها، مسائل پیش آمده و ... معطل نماند.

ص: 45

---

1- ابي جعفر أحمد بن محمد ازدي طحاوی، العقيدة الطحاوية، با تصحيح و تعليق: نجم الدين در کانی ص 79 و 80.

2- منبع عمده در این نکته، کتاب شریف « شیعه در اسلام » می شد.

انسان با نهاد خدادادی خود، درک می کند که هرگز جامعه ای مانند یک کشور یا یک شهر یا ده یا قبیله و حتی یک خانه که از چند تن انسان تشکیل یافته، بدون سرپرست و زمامداری که چرخ جامعه را به کار اندازد و هر یکی از اعضای جامعه را به وظیفه اجتماعی خود وادارد، نمی تواند به بقای خود ادامه دهد و در کمترین زمانی متلاشی شده، وضع عمومیش به هرج و مرج گرفتار خواهد شد.

به همین دلیل کسی که زمامدار و فرمانروای جامعه ای است (اعم از جامعه بزرگ یا کوچک) و به جایگاه خود و بقای جامعه عنایت دارد، اگر بخواهد به طور موقت یا غیر موقت از سر کار خود غیبت کند، البته جانشینی به جای خود می گذارد و هرگز حاضر نمی شود که قلمرو و فرمانروایی و زمامداری خود را سر خود، رها کرده از بقا و زوال آن چشم پوشد.

رئیس خانواده ای که برای سفر چند روزه یا چند ماهه می خواهد خانه و اهل خانه را وداع کند، یکی از آنان را (یا کسی دیگر را برای خود جانشین معرفی کرده، امور منزل را به وی می سپارد.

رئیس مؤسسه یا مدیر مدرسه یا صاحب دکانی که کارمندان یا شاگردان چندی زیر دست دارد، حتی برای چند ساعت غیبت، یکی از آنان را به جای خود نشانیده، دیگران را به وی ارجاع می کند و به همین ترتیب.

اسلام دینی است که به نص کتاب و سنت براساس فطرت استوار است و آیینی است اجتماعی که هر آشنا و بیگانه، این نشانی را از سیمای آن مشاهده می کند و عنایتی که خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به اجتماعی بودن این دین مبذول

داشته اند، هرگز قابل انکار نبوده و با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نیست.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و نیز مسأله تشکیل اجتماع را در هر جایی که اسلام در آن نفوذ پیدا می کرد، ترک نمی کرد و هر شهر یا دهکده ای که به دست مسلمین می افتاد، در اولین وقت، والی و عاملی در آنجا نصب و زمام اداره امور مسلمین را به دست وی می سپرد حتی در لشگرهایی که به جهاد اعزام می فرمود، گاهی برای اهمیت مورد، بیش از یک رئیس و فرمانده به نحو ترتب برای ایشان نصب می نمود حتی در جنگ موته چهار نفر رئیس تعیین فرمود که اگر اولی کشته شد دومی را، و اگر دومی کشته شد سومی را و همچنین .... به ریاست و فرماندهی بشناسند.

و همچنین به مسأله جانشینی عنایت کامل داشت و هرگز در موارد لزوم، از نصب جانشین فروگذاری نمی نمود و هر وقت از مدینه غیبت می فرمود، مسؤول و متولی به جای خود معین می کرد؛ حتی در موقعی که از مکه به مدینه هجرت می نمود، برای اداره چند روزه امور شخصی خود در مکه و پس دادن امانت هایی که از مردم پیشش بود، علی حید را جانشین خود قرار داد و همچنین پس از رحلت نسبت به بدهی ها و کارهای شخصیش علی را جانشین خود نمود.

شیعه می گوید: به همین دلیل، هرگز متصور نیست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و رحلت فرماید و کسی را جانشین خود قرار ندهد و سرپرستی برای اداره امور مسلمین و گردانیدن چرخ جامعه اسلامی، نشان ندهد. (1)

ص: 47

---

1- علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، بخش: امام شناسی ص 243 به بعد، همراه با تلخیص.

به راستی، چه کسی می تواند از پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله وسلم، عاقل تر و مهربان تر (1) باشد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به اندازه ای نسبت به امت دلسوز و مهربان بود که حتی در سفر چند روزهای که می رفت، فرد یا افرادی را به جای خودش معین می نمود.

و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از فتنه ها و گرفتاری هایی که پس از رحلتش دامنگیر جامعه اسلامی شد و فسادهایی که در پیکره اسلام رخنه کرد، مانند حکومت آل مروان و غیر ایشان که آیین پاک را فدای ناپاکی ها و بی بند و باریهای خود ساختند، به تفصیل خبر داده است. (2)

چگونه ممکن است که از جزئیات حوادث و گرفتاری های سال ها و هزاران سال پس از خود غفلت نکند و سخن گوید، ولی از مهمترین وضعی که در اولین لحظات پس از مرگش به وجود آید، غفلت کند! یا کوتاهی نماید!؟

آیا ممکن است رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و نسبت به طبیعی ترین و عادی ترین کارها مانند خوردن و نوشیدن و خوابیدن، صدها دستور و سفارش صادر کند ولی از چنین مسأله با ارزشی به کلی سکوت ورزیده، کسی را به جای خود تعیین نفرماید؟ و همه چیز را در این امر خطیر و جنجال برانگیز، به مردم بسپارد؟؟؟؟؟

: شیعه، طبق آنچه از تعالیم اسلامی به دست آورده معتقد بوده و

ص: 48

- 
- 1- خداوند تعالی در سوره توبه آیه 128، به مهربانی و دلسوزی پیامبر یا تصریح می کند.
  - 2- به موجب اخبار متواتری که عامه و خاصه در نوشته های حدیثی (در باب فتن و غیر آن) نقل کرده اند.

هست که آنچه برای جامعه در درجه اول اهمیت است، روشن شدن تعالیم اسلام و فرهنگ دینی است و در درجه پس از آن، جاری شدن کامل آنها در میان جامعه می باشد.

و البته این دو مقصود به دست کسی باید انجام یابد که عصمت و مصونیت خدایی داشته باشد و گرنه ممکن است کسانی مصدر حکم یا مرجع علم قرار گیرند که در زمینه وظایف محوله خود، از انحراف فکر یا خیانت سالم نباشند و تدریجا ولایت عادلانه آزادیبخش اسلامی به سلطنت استبدادی و ملک کسرای و قیصری تبدیل شود و معارف پاک دینی، مانند معارف ادیان دیگر دستخوش تحریف و تغییر دانشمندان بلهوس و خودخواه گردد.

و تنها کسی که به تصدیق پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در اعمال و اقوال خود مصیب و روش او با کتاب خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم مطابقت کامل داشت، همان علی علیه السلام بود. (1)

اگر کسی در مسائل اعتقادی یا احکام شرعی که توضیح آن در قرآن و کلام پیامبر نیامده، پرسشی داشت، یا انتقاد و شبهه ای داشت، به چه کسی باید مراجعه کرده و اعتماد کند؟؟

زمانی که پیامبر از دنیا رفت، از یک سو، بسیاری از جزئیات احکام برای توده مردم بیان نشده بود و با پیش آمدهای تازه، حکم شرعی آن باید مشخص می شد.

ص: 49

---

1- علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، بخش اول ص 35، همراه با لخیص.

از سوی دیگر، افراد تازه مسلمان در امور اعتقادی و معرفتی که تفصیلاً در کتاب و سنت نبوی نبود، پرسش های فراوانی داشتند.

از جهت سوم، اشخاصی اندیشمند و گروه های بسیاری از دیگر مناطق، برای تحقیق از دین اسلام و یا نقد و انتقاد از آن به مکه و مدینه می آمدند.

از جهت چهارم، هنوز چند سال از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نگذشته بود که در موضوعات روشنی مانند احکام نماز و تیمم و ده ها موضوع اعتقادی دیگر، اختلافات شدیدی، پدید آمد.

آیا برای این همه نیاز و ضرورت، خدای متعال و رسول او، علاج و چاره های تدارک ندیده بودند؟! آیا ضرورت ندارد برای آیینی که هنوز بسیار نوپاست و از هر جهت نیاز به حفاظت و حمایت و دفاع دارد، نگهبان و حافظ و سرپرستی معین شود؟

پرسش مهم اینکه: چرا و به چه دلیل برخی از مسلمانان در امور دینی، به افرادی مانند: ابو حنیفه، شافعی، احمد بن حنبل و ... مراجعه نموده و ایشان را در مسائل دینی، به امامت برگزیدند؟ آیا سخن و کم افرادی مانند ابن حنبل و شافعی و ابو حنیفه، حجت است؟ و مورد رضای خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می باشد؟ به چه دلیل و مدرکی و با کدام روایت؟

شیعه امامیه، برای پیروی از امام علی علیه السلام و دیگر اهل بیت علیهم السلام، در امور دینی و دنیوی، دهها سند و مدرک محکم و قطعی دارد مانند: آیه تطهیر، حدیث غدیر، حدیث ثقلین، حدیث سفینه و ... که برخی از روایت ها را اکثریت متفکران اسلامی (از هر فرقه) گزارش نموده اند.



در قرآن حکیم، آیه ای هست که برای صاحبان خرد و اندیشه، بسیار سؤال برانگیز و شگفت است. این کلام خدا، بخشی از آیه سوم از سوره مائده است:

اليوم الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم واخشون اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً: "كفار، امروز از برچیده شدن اسلام ناامید شدند پس دیگر از آنان نهراسید، ولی از من بترسید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان) آیین بر گزیدم"

به راستی، آن روز (اليوم) چه روزی است که کفار از دین اسلام ناامید شدند؟ آن روز، کدام روز است که خداوند، دین را کامل کرد؟ هر مسلمانی باید فکر کند که آن روز، کدام روز است که خداوند می فرماید: من در آن روز نعمتم را بر شما تمام کردم و من در آن روز اسلام را برای شما پسندیدم؟

آن روز، چه ویژگی دارد که موجب کامل شدن دین، تمام شدن نعمت و موجب رضایت خدا از دین اسلام است؟

جناب علامه طباطبایی در این خصوص می نویسند: «ظاهر آیه این است که: قبل از نزول آیه (مائده/3)، کفار امیدوار بودند که روزی خواهد آمد که

دستگاه اسلام بر چیده شود، ولی خداوند متعال به واسطه انجام کاری آنان را برای همیشه از نابودی اسلام مأیوس گردانید.

و همان کار سبب کمال و استحکام اساس دین بوده است و لابد از امور جزئی و عادی مانند جعل شکمی از احکام نبوده بلکه موضوع قابل توجه و مهمی بوده که بقای اسلام مربوط به آن بوده است.

ظاهراً این آیه با آیه ای که در اواخر این سوره نازل گشته بی ربط نباشد: یا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل مالت رسالته والله يعصمك من الناس

ای پیامبر! موضوعی را که به تو دستور دادیم به مردم ابلاغ کن که اگر ابلاغ نکنی رسالت خدا را انجام نداده ای. و خدا تو را از هر گونه خطری که متوجه تو باشد در امان خواهد داشت. سوره مائده، 72.

این آیه دلالت می کند که: خدا موضوع قابل توجه و بسیار مهمی را که اگر انجام نگیرد، اساس اسلام و رسالت در خطر واقع می شود، به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دستور داده است؛ ولی از بس با اهمیت و خطیر بوده، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و از مخالفت و کارشکنی مردم می ترسید.

آن حضرت تا رسیدن موقعیت مناسبی، این مسأله را به تأخیر می انداخته است، تا اینکه از جانب خدا دستور مؤکد و فوری صادر شده که باید در انجام این دستور کوتاهی نکرده و از هیچ کس نهراسی. این موضوع هم لابد از قبیل احکام ساده و عادی نبوده است؛ زیرا تبلیغ یک یا چند قانون نه آن اهمیت را دارد که از ابلاغ نکردنش اساس اسلام واژگون گردد و نه پیامبر

اسلام از بیان قوانین ترسی داشته است.

این قرائن و شواهد، مؤید اخباری هستند که دلالت دارند که آیه های مذکور در غدیر خم درباره ولایت و امامت علی بن ابیطالب علیه السلام و نازل گشته است. و بسیاری از مفسرین شیعه و سنی نیز آن را تأیید نموده اند». (1)

همچنین یعقوبی در تاریخ خود - در باب آیات مدنی - می نویسد: آخرین آیه ای که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پر نازل شد، آیه "الیوم اکملت لکم دینکم..... امروز دین شما را کامل گردانیدم؛ بود و این روایت صحیح است و نزول آن در روزی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به طور صریح، ولایت و زمامداری علی بن ابی طالب علیه السلام را در غدیر خم به گوش همگان رسانید». (2)

خلاصه سخن اینکه:

دشمنان اسلام که در راه نابودی آن از هیچ کاری خودداری نمی نمودند از همه جا مأیوس گشته فقط به یک جهت امیدوار بودند، آنها فکر می کردند: چون، تنها مدافع، حافظ و نگهبان اسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و می باشد، وقتی ایشان از دنیا رفت، اسلام بدون قیم و سرپرست می گردد و نابودیش حتمی خواهد بود. ولی در غدیر خم، اندیشه آنان باطل گشت و پیامبر، علی له را به عنوان سرپرست و متصدی اسلام به مردم معرفی نمود و پس از علی

ص: 53

---

1- علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، پانویشت های بخش امامت.

2- تاریخ یعقوبی، ج 3 ص 43. به نقل از علامه عسکری، ولایت علی ای در قرآن کریم و سنت پیامبر ص 68.

علیه السلام هم این وظیفه سنگین و ضروری به عهده دودمان پیامبر که از نسل علی به وجود می آیند، خواهد بود. (1)

ص: 54

---

1- علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، پانوشته های بخش امامت، همراه با تلخیص.

برای آشنایی بیشتر با بزرگی و عظمت امیر مؤمنان علی علیه السلام و واقعه باشکوه «غدیر خم»، برخی از کلمات نورانی امام خمینی رحمه الله علیه وان تقدیم می گردد:

1- برترین عید: «امروز که روز عید غدیر است و از بزرگترین اعیاد مذهبی است، این عید، عیدی است که مال مستضعفان است، عید محرومان است، عید مظلومان جهان است، عیدی است که خدای تبارک و تعالی به وسیله رسول اکرم برای اجرای مقاصد الهی و ادامه تبلیغات و ادامه راه انبیا، حضرت امیر - سلام الله علیه - را منصوب فرمودند».<sup>(1)</sup>

2- غدیر، روز تعیین الگوی حکومت: «روز عید غدیر، روزی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، تکلیف حکومت را معین فرمود و الگوی حکومت اسلامی را تا آخر، تعیین فرمود که حکومت اسلام نمونه اش عبارت از یک همچو شخصیتی است که در همه جهات مهذب، در همه جهات معجزه است. البته پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، این را می دانستند که به تمام معنی، کسی مثل حضرت امیر ولی نمی تواند باشد؛ لکن نمونه را که باید نزدیک به یک همچو وضعی باشد از حکومت ها، تا آخر تعیین فرمودند».<sup>(2)</sup>

ص: 55

---

1- سخنرانی در روز غدیر خم، تاریخ: 1363/6/23.

2- صحیفه امام ج 5 ص 28.

3- حکمت بزرگ بودن این عید: « این روز مبارک که از اعیاد بزرگ اسلام است و به حسب نفوس ما بالاترین عید است و نکته اش هم این است که این، ادامه نبوت است، ادامه آن معنویت رسول الله است، ادامه آن حکومت الهی است، از این جهت از همه اعیاد بالاتر است»<sup>(1)</sup>.

4- علی علیه السلام حل باعث پدید آمدن غدیر شد: « مسأله غدیر، مسأله‌ای نیست که بنفسه برای حضرت امیر یک مسأله‌ای پیش بیاورد؛ حضرت امیر، مسأله غدیر را ایجاد کرده است. آن وجود شریف که منبع همه جهات بوده است، موجب این شده است که غدیر پیش بیاید. غدیر برای ایشان ارزش ندارد؛ آن که ارزش دارد خود حضرت است که دنبال آن ارزش، غدیر آمده است.

خدای تبارک و تعالی که ملاحظه فرموده است که در بشر بعد از رسول الله کسی نیست که بتواند عدالت را به آن طوری که باید انجام بدهد، آن طوری که دلخواه است انجام بدهد، مأمور می کند رسول الله را که این شخص را که قدرت این معنا را دارد که عدالت را به تمام معنا در جامعه ایجاد کند و یک حکومت الهی داشته باشد، این را نصب کند. نصب حضرت امیر به خلافت این طور نیست که از مقامات معنوی حضرت باشد؛ مقامات معنوی حضرت و مقامات جامع او این است که غدیر پیدا بشود. اینکه در روایات ما و از آن زمان تا حالا این غدیر را آن قدر ارزش (از آن) تجلیل کرده اند، نه از باب اینکه حکومت یک مسأله ای است، حکومت آن

ص: 56

است که حضرت امیر به ابن عباس می گوید که "به قدر این کفش بی قیمت هم پیش من نیست، آنکه هست اقامه عدل است". (1)

## 5 - معنای تمسک به ولایت امیرالمؤمنین

: «و ما در این روز سعید، یکی از چیزهایی که وارد شده است این است که بگوییم، بخوانیم: الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولايه اميرالمؤمنين عليه السلام و اهل بيت عليهم السلام. تمسک به ولایت امیرالمؤمنین چی هست؟ یعنی ما همین این را بخوانیم و رد بشویم؟ آن هم تمسک به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام در روزی که ولایت به همان معنای واقعی خودش بوده است، نه تمسک به محبت امیر المؤمنین علیه السلام، تمسک به محبت، اصلا معنا هم ندارد.

تمسک به مقام ولایت معنایش این است که، - یکی از معانی اش این است که ما ظل آن مقام ولایت باشیم. مقام ولایت که مقام تولیت امور بر مسلمین و مقام حکومت بر مسلمین است، این است که چنانچه حکومت تشکیل شد، حکومت تمسکش به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و این است که آن عدالتی که امیرالمؤمنین اجرا می کرد، این هم به اندازه قدرت خودش اجرا کند. به مجرد اینکه ما بگوییم ما متمسک هستیم به امیر المؤمنین علیه السلام، این کافی نیست، این تمسک نیست اصلش.

وقتی که حکومت الگو قرار داد امیرالمؤمنین سلام الله علیه - را در اجرا حکومتش، در اجرا چیزهایی که باید اجرا بکند، اگر او را الگو قرار داد، این تمسک کرده است به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام. چنانچه او الگو نباشد، یا اینکه

ص: 57

تخلفات حاصل بشود از آن الگوی بزرگ، هزار مرتبه هم روزی بگوید "خدا ما را از متمسکین قرار داده است، جز یک کذبی چیزی نیست.

مردم ما هم که این دعا را با این فقره را می خوانند آنها هم باید توجه کنند به اینکه، تمسک به ولایت حضرت امیر برای آنها، تبعیت از مقاصد اوست. (1)

6- شیعه یعنی ..... : «همین طور گفتند که ما شیعه علی هستیم، و همین که گفتند ما متمسک به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام هستیم، این کافی نیست، نمی شود این. این امور، اموری نیست که لفظی باشد و با الفاظ و با عبارات بتوانیم ما بگوییم تحقق پیدا کرده است؛ اینها یک امور عملی است، یک حکمت عملی است اینها.

باید کسانی که مدعی هستند که ما شیعه امیر المؤمنین علیه السلام هستیم، تبع او هستیم، باید در قول و فعل و نوشتن و گفتن و همه چیز تبعیت از او داشته باشند. اگر این تبعیت نباشد و ما بگوییم که ما شیعه هستیم، یک گزافی گفته ایم، یک لاطایلی گفته ایم» (2)

7 - اظهار عجز از شیعه کامل بودن: « من گاهی فکر می کنم که ما با چه شباهتی می توانیم دعوی کنیم که شیعه آن بزرگوار هستیم. اگر متفکرین، نویسندگان، کسانی که اطلاعات زیاد دارند، ابعاد معنوی و مادی و جهات دیگرش را ملاحظه کنند، بررسی کنند ابعادی که آن بزرگوار داشته است

ص: 58

1- همان.

2- صحیفه امام، سخنرانی در عید غدیر خم، تاریخ: 1362/7/4.



از اوایل سنین تا وقتی که به شهادت رسید و بررسی کنند که ما چطور می توانیم ادعا کنیم که ما شیعه این بزرگوار هستیم، باید همه و همه کسانی که دعوی تشیع می کنند - الا معدود قلیلی که در صدر اسلام مثل ائمه هدی بودند - ما اظهار عجز کنیم که نمی توانیم» (1).

8- از وصف او عاجزیم! « مولود امروز، وصف کردنی نیست، آنچه که وصف کنند از او، دون شان اوست و آنچه شعرا و عرفا و فلاسفه و دیگران درباره او گفته اند، شمه ای از آن چیزی است که او هست.

غالباً مسائلی که درک می کرده اند و می کنند راجع به مولا علی بن ابی طالب، عرضه می داریم. آن چیزهایی را که ما نمی توانیم درک کنیم و دست عرفا و فلاسفه و دیگران از آن کوتاه هست، آن چیز قابل ذکر نیست. انسان تا نشناسد، نمی تواند بگوید و آن مقداری هم که در دسترس ماست، آن قدر زیاد است که گفتن او محتاج به زمان های طولانی است. ولهذا ما باید در پیشگاه مبارک ایشان عذرخواهی کنیم و عذر تقصیر بخواهیم که ما قاصریم و نمی توانیم بیان کمال شما را بکنیم» (2).

« ما درباره حضرت امیر، جهات معنویش دست ما ازش کوتاه است. ما از آن جهات معنوی که در ایشان بوده است حتی یک جمله موافق با واقع نمی توانیم عرض کنیم، لکن بعضی از جهات که مربوط به خود جهت مادی است و جهات اجتماعی است، آن را می شود گفت. شما ملاحظه کنید

ص: 59

---

1- همان، تاریخ: 1365/1/4.

2- همان.

که یک نفر که خلیفه مسلمین است، زمامدار امور است، خلیفه است، این چه وضعی داشته است؟ در حالی که خلیفه است می خواهد نماز جمعه بخواند، لباس زیادی ندارد، می رود بالای منبر، آن لباس که دارد، حرکت میدهد - به حسب نقل - تا خشک بشود؛ دو تا لباس ندارد.

یک کفشی را که خودش وصله می کرده است، کفاشی می کرده است،

ازش می پرسند، حضرت می فرماید: که این کفش به نظر شما چقدر ارزش دارد؟ می گویند هیچ. می گوید که "إمارت بر شما هم، خلافت هم، در نظر من مثل این کفش و پایین تر از این کفش است، مگر اینکه اقامه عدالت کنم". شما کجا سراغ دارید که یک نفر خلیفه باشد و وضعش این طور باشد؟ حضرت امیر - سلام الله علیه - حقیقتاً مظلوم است و مظلوم بوده است، حتی در بین شیعیان هم مظلوم است." (1)

ص: 60

---

1- صحیفه امام خمینی، بحث غدیر خم، تاریخ: 1366/12/12.

مگر می شود که واقعه پیشوایی، امیر شدن و ولایتعهدی، بدون مراسم تاج گذاری باشد؟!

در اکثر فرهنگ ها، یکی از عادات کهن در مسأله تعیین پیشوایان و امرا، مراسم «تاج گذاری» بوده است. از این رو در واقعه غدیر خم نیز، شایسته بود که همان رسم، جامه عمل پوشد. در میان پادشاهان ایرانی، نشان و تاج سروری، مزین به طلا و جواهر می شد ولی در میان اعراب آن روزگار، به جای تاج زرین از «عمامه» استفاده می کردند(1). عمامه ها را جز اشراف و بزرگان عرب، نمی پوشیدند. این منظور لغوی برجسته، در «لسان العرب» می گوید: «اعراب، عمامه را تاج می نامند. (2)

از سیوطی، ابن اثیر و ... نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «العمائم تیجان

ص: 61

---

1- الغدير ج 1 ص 537.

2- ابن منظور، لسان العرب ج 2 ص 219: «التاج، معروف و الجمع أتواج و تیجان و الفعل التویج قد توجة إذا عمه؛ و یكون توجه: سودة و المتوج: المؤد، و كذلك المعمم. و يقال: توجه فتوج أي ألبسه التاج فلبسه. و الإكليل و القصة و الیمامة: تاج علی التشیبه، و العرب تسمي العمائم التاج. و فی الحدیث: العمائم تیجان العرب).

العرب»(1): عمامه ها، تاج های عرب هستند.

از این رو، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم و در مراسم نصب امیر المؤمنین علی علیه السلام یلا به سروری و پیشوایی، رسم تاج گذاری را عملی کرده و بر سر مبارک علی، عمامه گذاشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و برای ابراز عظمت و موقعیت ممتاز حضرت علی علیها السلام، عمامه خود به نام «سحاب» را به او پوشاند.(2) آن حضرت با این عمل، امام علی علیها السلام او را برای جایگاه امارت و قائم مقامی، مهیا نمود.

جریان عمامه / تاج گذاری را بسیاری گزارش داده اند که به نقل چند نمونه، بسنده می کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و عمامه سیاه رنگی به نام «سحاب» داشتند که آن را در روزهای مخصوصی، چون فتح مکه(3)، به سر می بست. پیامبر خدا همان عمامه

ص: 62

1- الجامع الصغير 193/2 ح 5723. النهاية في غريب الحديث والأثر 199/1، به نقل از الغدير ج 1 ص 537.

2- علامه امینی در ج 1، از الغدير ص 538، می نویسد: «فعلى هذا الأساس، عممه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم هذا اليوم بهيئة خاصة تعرب عن العظمة والجلال، و توجه بيده الكريمة بعمامته - السحاب - في ذلك المحتشد العظيم، وفيه تلويح أن المتوج بها مقيض - بالفتح - لإمرة كإمرته صلى الله عليه وآله وسلم غير أنه مبلغ عنه وقائم مقامه من بعده. روى الحافظ عبد الله بن أبي شيبه، أبو داود الطيالسي، ابن منيع البغوي و أبو بكر البيهقي، كما في كنز العمال «3» (60/8) عن علي بن علي، قال: «عمني رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم بعمامة فسدلها خلفي». وفي لفظ: «فسدل طرفها على منكبي»، ثم قال: «إن الله أمني يوم بدر و حنين بملائكة يعمون هذه العمة». وقال: «إن العمامة حاجزة بين الكفر والإيمان»..

3- صحیح مسلم، کتاب الحج، حدیث ش: 451 و 452. به نقل از علامه عسکری، ولایت علی پی در قرآن کریم و سنت پیامبر ص

.70

را در روز غدیر خم، بر سر علی بست».

از عبد الأعلى بن عدی البهرانی روایت شده که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مدر غدیر خم علی طلا را پیش خود خواند و به دست خود عمامه ای بر سرش بست و دنباله آن را به پشت سرش رها نمود»(1)

در مسند طیالسی و سنن بیهقی، سخن امیر المؤمنین علیه السلام چنین آمده است: در روز غدیر خم پیامبر و عمامه ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم آویختند و آنگاه فرمودند: خدای عزوجل در روز بدر و حنین، مرا بوسیله فرشتگانی که چنین عمامه ای به سر داشتند، یاری نمود»(2).

همچنین حلبی در سیره خود می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و عمامه ای داشت که سحاب نامیده می شد و آن را به علی بن ابی طالب و پوشانند. و گاهی علی و آن را می پوشید و بر پیامبر و وارد می شد و حضرت و می فرمود: أتاكم علی فی السحاب» (علی در سحاب نزد شما آمد) یعنی با عمامه ای که

آن را پیامبر به ایشان هدیه کرده بود»(3).

ص: 63

---

1- کنز العمال: 483/15 ح 41911. الغدير، ج 1، ص 538

2- عمامه نهادن بر سر مبارک علی، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و در منابع متعددی آمده است، جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به: علامه امینی، الغدير ج 1 ص 538 تا 541. علامه عسکری، ولایت علی در قرآن کریم و سنت پیامبر ص 70 و 71.

3- السيرة الحلیبة ج 3 ص 369.



حسن بن ظریف می گوید: برای امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای نوشتم و در آن نامه از آن حضرت پرسیدم: معنای سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، در شأن امیر المؤمنین علیه السلام له چیست که فرمود: « من كنت مولاه فهذا علي مولاه »؟

در پاسخ فرمودند: « أراد بذلك أن يجعله علما يعرف به حزب الله عند الفرقة »<sup>(1)</sup>: منظور پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و از این تعبیر اینست که: حضرت علی علیه السلام را به عنوان علم و نشانه قرار دهد تا هنگام اختلاف و افتراق، حزب خدا (آنها که در راه خدا هستند و رستگار)، توسط «علی ل» شناخته شود. به عبارتی پیامبر او را چراغ هدایت و کشتی نجات معرفی کرد که هر کس بخواهد به سمت حق برود، دنباله رو علی علیه السلام باشد.

ص: 65





## 19 - بیعت با علی لایلا و تبریک به آن حضرت

پیامبر اسلام و پس از برگزاری مراسم غدیر، در خیمهای نشست و به حضرت علی علیه السلام علی نیز دستور داد تا در خیمهای دیگر بنشینند. آنگاه به همه مسلمانان حتی به همسران خودش دستور داد که هم به پیامبر، و هم به علی الله تبریک بگویند. دستور داد که با علی حل بیعت کنید و به او با عنوان امیر المؤمنین « سلام کنید. (1)

پیامبر و دو بار فرمود: هئونی: به من تبریک بگویند؛ چون خداوند مرا به پیامبری و خاندانم را به امامت اختصاص داد.

زید بن ارقم می گوید: مردم به ندای پیامبر را لبیک گفته و هجوم آوردند و نخستین کسانی که با پیامبر و علی ب دست داده و بیعت کردند عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر و در ادامه، دیگر مهاجرین و انصار با ایشان دست داده و بیعت می کردند. این شادباش گفتن و بیعت کردن تا سه روز ادامه داشت.

احمد بن حنبل در مسند خود می گوید: « پس از انجام این مراسم عمر بن الخطاب، علی طلا را دید و به او گفت: ای پسر ابوطالب! این موهبت بزرگ

ص: 67

---

1- سید هاشم بحرانی، کشف المهم فی طریق خبر غدیر خم ص 207 و 208. علامه امینی الغدیر ج 1 ص 508.

بر تو گوارا باد که صبح را شب کردی، در حالی که مولی و سرور همه مؤمنان گردیده ای» (1).

و بالاخره اینکه: مرحوم علامه امینی، از 60 نفر، اهل حدیث، تاریخ و تفسیر، تبریک گفتن و بیعت نمودن شخصیت هایی مانند ابوبکر و عمر را نقل می کند. (2)

بی تردید، این تبریک گفتن، دست دادن و بیعت کردنها، فقط با

خلافت و پیشوایی متناسب است.

ص: 68

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 507 به بعد. علامه عسکری، ولایت علی علی در قرآن کریم و سنت پیامبر یا ص 69.

2- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 510 تا 527.

## 20 - «علی علیه السلام مولای شماس» چه معنایی دارد؟

20 - «علی یللا مولای شماس»، چه معنایی دارد؟ مقصود از واژه «مولی» چیست و مولا بودن علی به چه معناست؟ قرائن و شواهد بسیاری گواهی میدهد که مقصود از این لفظ، پیشوا و رهبر و سرپرست است.

به برخی از این شواهد و قرائن اشاره می شود

الف: در حادثه غدیر، رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم و دستور داد، حجاجی که همراه وی از حج بر می گشتند، در یک زمین خشک و بی آب و آبادی فرود آیند. رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم و به کاروان ها دستور داد تا همانجا (در آگیری به نام غدیر خم) توقف کنند و آنها که جلو افتاده اند برگشته و بازماندگان به این جمع بپیوندند. حرارت آن نیمروز چنان بود که هر یک از حاضران در آن صحنه، بخشی از عباى خود را زیر پا گذاشته بودند و بخشی را روی سر گرفته بودند تا از شدت گرمای خورشید، نگاهشان دارد. آن حضرت در آن گرمای طاقت فرسا نماز ظهر را بجای آورد.

طبیعی است که پیامبر و در آن حالت خاص می خواست نکته ای مهم و سرنوشت ساز در هدایت امت بیان کند. چه چیزی مهم تر و سرنوشت سازتر در زندگی مسلمانان از تعیین رهبری که مایه وحدت مسلمانان و نگهدارنده دین آنان است؟

ب: رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم: در آغاز خطبه، از رحلت قریب الوقوع خود خبر داد، و این نشان می دهد که او نگران وضع امت پس از خویش بوده است و می خواسته چاره جویی شود تا آیین وی در طوفان حوادث آینده دچار مخاطره نگردد.

ج: پیامبر خدا و پیش از ذکر ولایت امام علی، از اصول سه گانه دین یعنی توحید، نبوت و معاد سخن گفت و از مردم نسبت به آنها اعتراف گرفت، سپس مسأله ولایت امام علی حل را طرح کرد. تقارن بین ابلاغ این رسالت و اعتراف گرفتن نسبت به آن اصول سه گانه، ما را به شناخت اهمیت پیامی که رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم مأمور به ابلاغ آن به مردم در غدیر خم» بود، رهنمون می شود.

آیا ممکن است مقصود پیامبر و از نگه داشتن مردم در آن شرایط استثنایی و با حضور آن اجتماع عظیم صرفاً توصیه به محبت و مهرورزی به شخص معین بوده باشد؟؟؟

د: پیامبر خدا و پیش از ابلاغ رسالت الهی در شأن علی، از ولایت و مولویت خویش سخن گفت و فرمود: خدا، مولای من است و من، مولای مؤمنانم و من بر آنان از خودشان شایسته ترم. ذکر این مطالب دلیل آن است که مولا بودن علی ع از سنخ و قماش مولا بودن پیامبر ه است و آن حضرت به فرمان خدا، آن مولا بودن و اولویت را که خود داشت، برای علی بهم ثابت کرد.

ه: پیامبر و پس از ابلاغ این رسالت الهی، فرمان صادر نمود که:

و: قرینه دیگر، تبریک و تهنیت گفتن حضار و صحابه به پیامبر و علی طلب است. از جمله، ابوبکر و عمر پس از تمام شدن خطبه پیامبر و پس از فرمودن: «من کنت مولاه فعلی مولاه»، پیش علی آمده، مولا و سرور بودن وی را تبریک و شاد باش گفتند.

از: فهم حاضران و شاعران نیز همین معنای «پیشوایی» را ثابت می کند؛ امثال حسان بن ثابت، در اشعاری که در حضور پیامبر و در همان غدیر خم سرودند، مولا را به معنای هادی و رهبر، تفسیر نمودند و نه محض دوستی و محبت.(2)

خلاصه: اگر کسی واقعه غدیر خم، متن خطبه غدیر، قراین و کیفیت برگزاری آن اجتماع عظیم را ملاحظه نماید، تردیدی نخواهد داشت که: پیام غدیر، مشخص نمودن پیشوای دین و دنیاست

ص: 71

---

1- آیت الله سبحانی، سیمای عقاید شیعه، ترجمه: جواد محدثی ص 197 به بعد.

2- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 651 تا 668. ایشان 20 شاهد و قرینه می آورند بر اینکه مقصود از مولا: پیشوایی و رهبری مردم است و نه صرف دوستی و محبت.



## 21 - شیطان هم از غدیر می گوید!!

21 - شیطان هم از غدیر می گوید!! در بحار الانوار علامه مجلسی، چنین آمده است: جناب سلمان نقل می کند: گروهی را دیدم که مشغول ناسزا گفتن به علی ال بودند. در همان حال، شیطان حاضر شد و خطاب به آنان چنین گفت: بدا به حال شما که به مولا و صاحب اختیار خود، ناسزا می گویی

گفتند: تو از کجا می گویی که او مولای ماست؟

شیطان گفت: از کلام پیامبر تان که فرمود: من کنت مولاه فعلی مولا،

اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله: هر کس من ولی و پیشوای او هستم، علی ولی اوست و... (1)

ص: 73

---

1- علامه مجلسی، بحار الانوار ج 39 ص 162، به نقل از هزار نکته درباره غدیر ص 82





در خصوص تبیین و اثبات « اصل امامت » از گذشته های دور تا حال، آثار فراوانی پدید آمده است که به ذکر برخی بسنده می کنیم

یکم. الشافی فی الامامة، تألیف: سید مرتضی علم الهدی (متوفای 436ق)؛ ایشان از بزرگان تشیع در قرن پنجم بوده اند. این اثر کم نظیر، از منابع درجه یک در بحث امامت شمرده می شود. شاگرد ممتاز سید مرتضی، جناب شیخ طوسی، این اثر را در کتابی با عنوان «تلخیص الشافی» خلاصه نموده اند.

دوم. عبقات الانوار فی إثبات إمامة الأئمة الأطهار(1)، تألیف: علامه میر حامد حسین هندی؛ ده مجلد از این اثر بی مانند، اختصاص دارد به «حدیث غدیر خم».

سوم. الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب، تألیف: علامه عبدالحسین امینی، که با تتبعی طاقت فرسا این کتاب را در 11 جلد، سامان داده است.

چهارم. المراجعات، تألیف: علامه عبدالحسین شرف الدین؛ این نوشته که به زبانهای مختلفی ترجمه شده، در واقع مناظره ای (از طریق نامه نگاری) است میان دو دانشمند طراز اول از شیعه و سنی.

ص: 75

---

1- عبقات الانوار فی إثبات إمامة الأئمة الأطهار، قم، نشر محقق، 1404ق.

پنجم. امامت و رهبری، تألیف: شهید آیت الله مرتضی مطهری، کتابی است مختصر، مفید و با ادبیاتی روان که «اصل امامت» را به خوبی تبیین و تثبیت کرده است.

ششم. ولایت علی در قرآن کریم و سنت پیامبر، تألیف: علامه سید مرتضی عسکری. کتابی است کم حجم، متقن و با ادبیاتی بسیار روان که امامت و ولایت امام علی لب و دیگر امامان شیعه ها را از متون روایی اهل سنت و گاه شیعه، اثبات می کند.

هفتم و هشتم: کتاب: امامت در بینش اسلامی و کتاب: براهین و نصوص امامت، تألیف: استاد و محقق حوزه، حجت الاسلام علی ربانی گلپایگانی، این دو اثر که هر یک مکمل دیگری هست، در نوع خود، جامع، منطقی و با ادبیاتی امروزی و روان سامان یافته است.

نهم. آنگاه هدایت شدم: ترجمه کتاب: ثم إهدیت: تألیف: دکتر محمد تیجانی از کشور تونس. این کتاب به بیش از بیست زبان زنده دنیا ترجمه شده است. تیجانی در این کتاب چگونگی شیعه شدن خود و دلایل آن را به گونه ای شیرین و اعجاب انگیز به تصویر کشیده است.

دهم. پاسخ به شبهات کلامی، دفتر چهارم: امامت؛ تألیف: دکتر محمد حسن قدردان قراملکی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. در این کتاب تحقیقی، به 60 پرسش و شبهه کهنه و امروزی به گونه ای شفاف، پاسخ داده شده است.

« و من در آن هنگام از دو چیز گرانبها که در میان شما یادگار می گذارم، خواهم پرسید. پس دقت کنید که پس از من با آن دو چگونه رفتار خواهید کرد؟

در اینجا یک نفر از میان جمع، پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم! آن دو چیز گرانبها چیست؟

فرمود: یکی کتاب خداست و دیگری عترت و اهل بیت علیهم السلام من. هان ای مردم! بر کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام من پیشی نگیرید و از آن دو عقب نمانید تا نابود نشوید» (1)

تمامی دانشمندان اسلام، این جمله را به عنوان « وصیت نبوی » نقل کرده اند. برخی، این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را ضمن خطبه غدیر و برخی آن را به عنوان کلامی مستقل از آن حضرت نقل کرده اند.

این کلام نبوی در جهان اسلام، مشهور است به: حدیث ثقلین و در میان تمام فرقه های اسلامی، کسی منکر صحت و تواتر این سخن نیست.

حدیث ثقلین، از احادیث متواتر اسلامی است که علمای سنی و شیعی

ص: 77

---

1- حدیث ثقلین، در موارد متعددی از پیامبر اعظم رجوع شود به: نکته یکم.

آن را در کتابهای حدیثی خود نقل کرده اند. گرچه حدیث ثقلین به نحو گوناگونی نقل شده ولی، عبارت زیر، مورد اتفاق همگان است که فرمود:

إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبدا وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض». (1): من در میان شما دو چیز گرانبها به یادگار می گذارم، یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت علیهم السلام و عترتم؛ تا زمانی که به ایشان چنگ بزنید، هیچگاه گمراه نخواهید شد و این دو هیچ وقت از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند.

پیرامون «حدیث ثقلین» به ذکر چند مطلب بسنده می کنیم:

یکم. در صدور این حدیث از پیامبر ت میان طوایف اسلامی، اختلافی نیست. در این باره می توان به «رساله حدیث ثقلین»، نوشته شیخ محمد قوام الدین و شنوی، رجوع کرد.

این رساله که به سفارش آیت الله بروجردی، نوشته شده، شهرت جهانی دارد و از سوی «دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه»، چاپ مصر، در سال 1374 قمری، منتشر شد. مرحوم و شنوی در این مقاله، حدیث ثقلین را از علمای فرق گوناگون مانند: امامیه، حنفیه، شافعیه، مالکیه، حنبلیه و زیدیه روایت کرده است. (2)

ص: 78

---

1- صحیح مسلم 8/122. سنن ترمذی 2/307. سنن دارمی 2/432. مسند احمد 3/14 و دهها کتب دیگر. جهت آگاهی مفصل و دقیق از اسناد حدیث ثقلین، ر.ک: شیخ محمد قوام الدین و شنوی، رساله حدیث الثقلین از نشریات دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه، چاپ قاهره، 1374 ق.

2- شیخ قوام الدین و شنوی، حدیث ثقلین، ترجمه از: محمد تقدیمی صابری، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی ص 54.

دوم. شیخ اکبر عبد المجید سلیم، شیخ بزرگ دانشگاه الازهر، پس از انتشار رساله حدیث ثقلین در مصر، این سخن طلایی را بیان کرد: « شیعه امامیه (دوازده امامی) بر حجیت فقه شان، دلیل و سندی ویژه از صاحب شریعت دارد که مخصوص آنان است؛ اما دیگر مذاهب اینگونه نیستند و دلیلی ویژه خود ندارند»<sup>(1)</sup>.

سوم. دانشور بزرگ تشیع، مرحوم میر حامد حسین هندی، در کتاب «عقبات الانوار»، این حدیث را از قریب به 200 دانشمند اهل سنت (از قرن دوم تا سیزدهم) نقل کرده است.

چهارم. مرحوم علامه طباطبایی پس از نقل حدیث ثقلین می فرماید: از این حدیث و امثالش چند مطلب مهم استفاه می شود:

1- چنانچه قرآن تا قیامت در بین مردم باقی می ماند، عترت پیامبر نیز تا قیامت باقی خواهند ماند؛ یعنی هیچ زمانی از وجود امام و رهبر حقیقی خالی نمی گردد.

2- پیامبر اسلام به وسیله این دو امانت بزرگ، تمام احتیاجات علمی و دینی مسلمین را تأمین نموده و اهل بیتش را به عنوان مرجع علم و دانش به مسلمین معرفی کرده و اقوال و اعمالشان را معتبر دانسته است.

3- قرآن و اهل بیت علیهم السلام نباید از هم جدا شوند و هیچ مسلمانی حق ندارد از علوم اهل بیت علیهم السلام و اعراض کند و خودش را از تحت ارشاد و هدایت آنان بیرون نماید.

ص: 79

---

1- همان، ص 13 و 90.

4- مردم اگر از اهل بیت علیهم السلام اطاعت کنند و به اقوال آنان تمسک جویند، گمراه نمی شوند و همیشه حق در نزد آنهاست.

5- جمیع علوم لازم و احتیاجات دینی مردم در نزد اهل بیت علیهم السلام به موجود است و هر کس از آنها پیروی نماید در ضلالت واقع نمی شود و به سعادت حقیقی نایل می گردد؛ یعنی اهل بیت علیهم السلام از خطا و اشتباه معصومند.

و به واسطه همین قرینه معلوم می شود که مراد از اهل بیت علیهم السلام و عترت، تمام خویشان و اولاد پیامبر نیست؛ بلکه افراد معینی می باشند که از جهت علوم دین، کامل باشند و خطا و عصیان در ساحت وجودشان راه نداشته باشد تا صلاحیت رهبری داشته باشند. آنها عبارتند از علی بن ابی طالب و یازده فرزندش که یکی پس از دیگری به امامت منصوب شدند. چنانچه در روایات نیز به همین معنا تفسیر شده است. از باب نمونه: ابن عباس می گوید به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم . گفتم: خویشان تو که دوست داشتن آنها واجب است چه کسانی اند؟ فرمود: «علی و فاطمه و حسن و حسین».(1) جابر می گوید پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود(2): «خدا ذریه هر پیغمبری را در صلب خودش قرار داد ولی ذریه مرا در صلب علی قرار داد».(3)

پنجم. دکتر محمد تیجانی، در کتاب مشهور خود به نام: «ثم إهدیت:

آنگاه هدایت شدم.» که به بیست زبان دنیا ترجمه شده است، در

ص: 80

---

1- ینابیع المودة ص 311.

2- همان، ص 318.

3- علامه سید محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، بخش امامت ص 256 و 257.

حدیث ثقلین می نویسد: «وإذا أمعنا النظر في هذا الحديث الشريف الذي أخرجه صحاح أهل السنة(1) و الجماعة وجدنا أن الشيعة وحدهم هم الذين اتبعوا الثقلين كتاب الله و العترة النبوية الطاهرة» بينما اتبع أهل السنة و الجماعة قول عمر «حسبنا كتاب الله»: (2) زمانی که خوب در این حدیثی که صحاح أهل سنت آن را گزارش کرده اند، دقت کنیم، یقین می کنیم که فقط شیعه، از ثقلین کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام پیروی نموده است. در حالی که اهل سنت و جماعت، تابع سخن عمر شدند که گفت: کتاب خدا ما را بس است.

ششم. شگفت اینکه امام خمینی وصیت نامه سیاسی - الهی خود را با حدیث ثقلین» آغاز نموده و در ادامه می فرماید: «و بعد، اینجانب مناسب میدانم که شمه ای کوتاه و قاصر در باب «ثقلین» تذکر دهم؛ نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی، که قلم مثل منی، عاجز است از جسارت در مرتبه ای که عرفان آن بر تمام دایره وجود، از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو ناید، سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگوییم ممتنع است.

و ذکر این نکته لازم است که حدیث ثقلین» متواتر بین جمیع مسلمین است و در کتب اهل سنت از «صحاح ششگانه» تا کتب دیگر آنان، با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - به

ص: 81

---

1- صحیح مسلم باب فضائل علی ج 5 ص 122 صحیح الترمذی ج 5 ص 328. مستدرک الحاکم ج 3 ص 148 مسند الإمام أحمد بن حنبل ج 3 ص 17

2- محمد تیجانی، ثم اهدیت ص 179.

طور متواتر نقل شده است. و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر به ویژه مسلمانان مذاهب مختلف؛ و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عذری برای جاهلان بی خبر باشد برای علمای مذاهب نیست» (1)

و سخن آخر اینک: جای بسی تأسف است که برخی از مسلمانان، همه درها را می زنند، جز در خانه اهل بیت علیهم السلام را! حدیث ثقلین، که شیعه و سنی در نقل آن اتفاق دارند، می تواند همه مسلمانان جهان را به صورت امتی واحد گرد آورد. این حدیث، مرجعیت علمی (بلکه مرجعیت مطلق و فراگیر) عترت و اهل بیت پیامبر علیهم السلام را مانند قرآن کریم، به روشنی ثابت می کند و بر مسلمانان است که در امور دینی، نه به دیگران، بلکه به کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام بالا تمسک بجویند.

ص: 82

---

1- وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی قت.



یکی از اسناد و قراین مورد وثوق برای تبیین و اثبات یک پیشامد تاریخی، شعر است؛ چرا که احتمال تغییر و تحریف و دست بردن در اشعار و قطعه های ادبی، بسیار کم است. به ویژه که آن شعر از شاعران مفلق و برجسته ای صادر شود و از سوی روایانی مورد اطمینان و دقیق، گزارش شود.

اگرچه احتمال وضع و ساختگی بودن شعر و نسبت دادن آن به شاعری وجود دارد، ولی سبک شناسان و متخصصان فن، می توانند اشعار ساختگی و موضوع را از اشعار اصیل شاعر، باز شناسند.

شاعران بلند آوازه های از نخستین لحظه ای که حدیث غدیر از پیامبر صادر شد تا زمان حاضر به زبانهای گوناگون، درباره واقعه و حدیث غدیر، اشعار بسیاری سروده اند.

به اشعاری که به مناسبت واقعه غدیر سروده شده است، «غدیریّه» گویند.

علامه امینی، در جلد های دوم تا یازدهم الغدیر، اشعار 104 تن از شاعران را که در وصف غدیر، شعری سروده اند، نقل کرده است. (1) مرحوم امینی، از قرن اول، پنج شخصیت را نام می برد که در مورد غدیر شعر سروده اند (2) که

ص: 83

---

1- مرحوم امینی از قرن نخست تا قرن یازدهم سروده هایی نقل کرده است.

2- علامه امینی، الغدیر ج 2 ص 51 به بعد.

عبارتند از:

1- امیر المؤمنین علی (صلوات الله علیه)

2- حسان بن ثابت انصاری

3- قیس بن سعد بن عباده انصاری

4- عمرو بن العاص بن وائل

5- محمد بن عبد الله حمیری

نخستین شاعری که درباره غدیر شعر سروده، حسان بن ثابت انصاری، شاعر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است. برخی از ابیات وی در نکته بعدی خواهد آمد)

علامه امینی در آغاز سروده های غدیری، به عنوان تبرک و تیمن، اشعاری از حضرت وصی علی نقل می کند؛<sup>(1)</sup> سخن علامه چنین است:

متبرک می کنیم آغاز کتاب را با یاد مولایمان علی امیر المؤمنین علیه السلام، که خلیفه پیامبر خداست. همانا علی الا بعد از رسول اکرم: فصیح ترین و آشناترین مردم است به خصوصیات و موازین کلام عرب، و هم اوست که از کلام پیامبر گرامی «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» چنین فهمیده که مولای یعنی امامی که طاعتش چون پیامبر، بر همه واجب است.

آن حضرت در ضمن اشعاری چنین سرود:

ص: 84

---

1- مان ص 53. نکته مهم اینکه، علامه امینی در ج 2 ص 55 تا 60، این سروده را از 13 شخصیت مشهور شیعی و 26 تن از مشاهیر اهل سنت، نقل می کند به گونه ای که شک و تردید در صدور آن از امام علی ای نمی ماند.

محمد النبي اخي و صنوي(1)\*\*\* و حمزة سيد الشهداء عمي

و جعفر الذي يضحى ويمسي\*\*\* يطير مع الملائكة ابن امي

و بنت محمد سكني و عرسي\*\*\* منوط لحمها بدمي و لحمي

و سبطا أحمد ولدای منها\*\*\* فأیکم له، سهم کسهمی

سبقتکم الی الاسلام طرا\*\*\* علی ما کان من فهمی و علمی

فأوجب لي ولايته عليكم\*\*\* رسول الله يوم غدیر خم

فویل ثم ویل ثم ویل\*\*\* لمن یلقى الاله غدا بظلمی

1- محمد، پیامبر خدا، برادر مهربان من است و حمزه، سرور شهیدان عمومی من.

2- و جعفر، آنکه روز و شب با ملائکه در پرواز است، پسر مادر من است.

3- دختر پیامبر، باعث آرامش دل و همسر من است، خون و گوشت او با خون و گوشت من بستگی دارد.

4- و دو نوه پیامبر، پسران من و فاطمه اند، (به من بگوئید) کدامین شماها چنین بهره ای دارید؟

5- از روی درک و علم، قبل از همه شما، اسلام اختیار نمودم.

6- پس پیامبر خدا، در روز غدیر خم، به امر خدا، ولایت مرا بر شما

و واجب نمود.

7- پس وای بر آنکه در روز بازپسین به ملاقات خدا رسد، در حالیکه بهمن ظلم نموده باشد.

ص: 85

---

1- در تاریخ ابن عساکر و برخی دیگر، به جای «صنو: برادر مهربان»، «سهر: پدر زن» آمده است.

از دیگر شاعران حادثه غدیر، قیس بن سعد بن عبادة از یاران امیر المؤمنین علیه السلام به است که در حال رفتن به صفین سروده. این شعر را شیخ مفید (متوفای 413ق) در کتاب خود «الفصول المختارة» نقل کرده و آن را دلیلی برای اثبات مولی به معنای امامت و پیشوایی در رد بر معتزله می داند. به نقل چند بیت آن بسنده می کنیم:

قلت لما بغى العدو علينا\*\*\*حسبنا ربنا ونعم الوكيل

وعلى امامنا و امام\*\*\*لسوانا، اتي به التنزيل

يوم قال النبي : من كنت مولا-\*\*\*-، فهذا مولا، خطب جليل

إن ما قاله النبي على الامة\*\*\*حتم ما فيه قال وقيل

1- در آن هنگام که دشمن به ما ستم کرد، گفتیم: خدای ما، ما را بس

است و وکیل خوبی است.

2- علی پیشوای ما و پیشوای افراد غیر از ما است؛ قرآن این مطلب را آورده است.

3- روزی که پیامبر فرمود: هر کس من ولی اویم، پس این، ولی اوست

و این خبر بسیار بزرگ و با عظمتی است.

4- آنچه که پیامبر به امت گفته، حتمی و مسلم است و گفتگویی در آن نیست. (1)

ص: 86

---

1- جهت آشنایی بیشتر با سروده های غدیریه، رجوع: علامه امینی ج 2 تا ج 11. دایرة المعارف تشیع ج 12، ماده غدیریه ص 43 تا 53.

حسان بن ثابت انصاری، اولین شاعر «غدیر» است که پس از خطبه پیامبر در همان منطقه غدیر خم به همین مناسبت، اشعاری سرود و خدمت پیامبر عرضه داشت و اجازه گرفت تا برای کسان که در آنجا هستند، بخواند. حضرت اجازه دادند و فرمودند: بخوان به نام خداوند و برکت او.

پس اشعار معروف خود را چنین آغاز کرد:

ینادیهم یوم الغدیر نیهم\*\*\*بحم و اشیع بالرسول منادیة

فقال من مؤلاگم و تیگم؟\*\*\*قالوا و لم یبدو هناك التعامیا

الهک مولانا و انت نبینا\*\*\*و لم تلق وینا فی الولاية عاصیة

فقال له قم یا علی قانئی\*\*\*رضیئک من بعدی امامة و هادیة

فمن کنت مولاه فهذا ولیة\*\*\*فکونوا له اثباغ صدی موالیا

هناک دعا الله والی ولیة\*\*\*و گن الذی عادا علیة معادیة

1- «پیامبر آنها در روز غدیر در سرزمین خم به آنها ندا داد، و چه ندا دهنده گرانقدری!»

2- «فرمود: مولای شما و پیامبر شما کیست؟ و آنها بدون چشم پوشی و

ص: 87

اغماض بی پرده پاسخ گفتند):

3- «خدای تو مولای ماست و تو پیامبر مائی و ما از پذیرش ولایت تو سرپیچی نخواهیم کرد».

4- «پیامبر به علی؟ گفت: برخیز زیرا من تو را بعد از خودم امام و رهبر انتخاب کردم».

5- و سپس فرمود: «هر کس من مولا و رهبر اویم این مرد مولا و رهبر اوست پس شما همه از سر صدق و راستی از او پیروی کنید».

6- «در این هنگام، پیامبر عرض کرد: بار الها! دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار»...

ص: 88

26 - «غدیر» از دیدگاه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) حضرت آیت الله امام خامنه ای رهبر انقلاب، در بیانات خود، در خصوص «غدیر خم» و «درسه‌ها و پیام‌های آن، نکات ارزشمندی طرح کرده اند که بخش‌هایی را بازگو می‌کنیم:

- روز بزرگ و تعیین کننده: «حقیقت روز بزرگ و عید تعیین کننده و عظیم القدری است. این روز، هم از لحاظ شخصیت امیر المؤمنین علیه السلام با قابل اعتنا، توجه و بررسی است و هم از لحاظ خود این حادثه و نصب عجیب»<sup>(1)</sup>.

در روایات ما وارد شده که عظمت این روز، حتی از روز «عید فطر» و روز «عید قربان» هم بیشتر است. نه اینکه از اهمیت آن دو عید عظیم اسلامی چیزی کم بشود، بلکه به خاطر اینکه این عید حاوی یک مضمون والاتر است. اهمیت این عیدی که طبق روایات ما برترین اعیاد است، در همین است که متضمن موضوع ولایت است. شاید بتوان گفت که هدف از همه زحماتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و بزرگان دین و انبیاء الهی (علیهم الصلاة والسلام)، متحمل شده اند، استقرار ولایت الهی بوده است»<sup>(2)</sup>.

2 - پیام مهم غدیر: جدا نبودن سیاست از دین: «از طرف

ص: 89

---

1- بخشی از سخنان رهبری در «عید غدیر» تاریخ 1375/2/18.

2- بخشی از سخنان رهبری در «عید غدیر» تاریخ 13723/19.

مستکبران) استدلال‌هایی جدید برای جدایی دین از سیاست درست شد. استدلال کردند که «اگر دین را وارد سیاست کنیم و اگر سیاست یک کشور از دین سرچشمه و منشأ بگیرد، چون امور سیاسی و امر حکومت، مشکلات دارد، دنبالش نارضایی‌ها، دلزدگی‌ها و ناکامی‌هاست. لذا، این امر موجب می‌شود که مردم از اصل دین، بیزار شوند. پس، اصلاً دین، باید به کل از سیاست کنار برود؛ جنبه قداست پیدا کند؛ نورانیتی بیابد؛ به کناری بنشیند و به امور معنوی و ذهنی و روحی مردم بپردازد.» امروز ایادی استکبار، در دنیا - به خصوص دنیای اسلام - با شیوه‌های مختلف این استدلال و نظریه را ترویج می‌کنند.

ناسخ این سفسطه‌ها، غدیر است. در موضوع غدیر، نبی مکرم اسلام به پیروی از امر خدا و به خاطر عمل به آیات صریح قرآن، یکی از بالاترین واجبات را انجام داد.

در این قضیه، اصل مسأله نصب حاکم، مسأله مهمی است که پیام غدیر است. چرا باید این پیام روشن را که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم - مؤسس اسلام - به همه مسلمین داده است، العیا بالله نادیده گرفت؟ آنجا که می‌گوید: مسلمانان! دین را از اساس زندگی و از امر حکومت که پایه زندگی فردی و اجتماعی است، جدا نکنید. دین را به گوشه خلوت خانه‌ها و ذهن و مسائل روحی منحصر نکنید. دین را به انزوا نیندازید.» اساس زندگی بشر، که بر پایه حکومت است، امری است متوجه دین؛ مسؤولیتی است بر دوش دین و دین



باید این کار را انجام دهد» (1).

3- غدیر، نتیجه کمالات علی ل: « در مورد امیر المؤمنین علیه السلام

، همه کسانی که از روی مدارک با حالات آن بزرگوار آشنایی دارند، باید اقرار کنند که امیر المؤمنین علیه السلام، به واسطه غدیر به شخصیت والای خود نرسید. غدیر چیزی نبود که گوهر نایاب امیر المؤمنین علیه السلام را شکل دهد. غدیر، نتیجه فضایل، مزایا و کمالات آن حضرت بود.

البته افتخار برخورداری از فرمان الهی، از نصب پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و از بیعت مؤمنین و صحابه، افتخار بزرگی است. اما بزرگتر از آن، خصوصیتی است که در این انسان والا و بی نظیر وجود داشت، که به چنین حادثه و دستور نصبی از طرف پروردگار منتهی شد» (2).

4- غرض از غدیر چه بود؟ « ماجرای غدیر فقط نصب یک جانشین برای پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم نبود. غدیر دو جنبه دارد: یکی جنبه نصب جانشین است. جنبه دیگر قضیه، توجه دادن به مسأله امامت است؛ امامت با همان معنایی که همه مسلمین از این کلمه و از این عنوان می فهمیدند. امامت یعنی پیشوائی انسان ها، پیشوائی جامعه در امر دین و دنیا؛ این یکی از مسائل اصلی در طول تاریخ طولانی بشر بوده است.

مسأله امامت، یک مسأله مخصوص مسلمانها یا مخصوص شیعیان نیست. امامت یعنی یک فردی، یک گروهی بر یک جامعه ای حکمرانی

ص: 91

1- بخشی از سخنان رهبری در «عید غدیر» تاریخ 1375/2/18.

2- همان.

می کنند و جهت حرکت آنها را در امر دنیا و در امر معنویت و آخرت مشخص می کنند. این یک مسأله همگانی است برای همه جوامع بشری»<sup>(1)</sup>

5 - مضمون غدیر: «آنچه که در ماجرای غدیر از دیدگاه مطالعه کنندگانی از قبیل ما می شود فهمید، مضمون این نصب الهی در باب کیفیت اداره کشور و گزینش انسانهای صالح برای مسؤولیت های بزرگ است.

آنچه ما در این ماجرا احساس می کنیم، این است که با نصب امیر المؤمنین علیه السلام و در روز غدیر، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و به دستور پروردگار، این حقیقت را از اسلام آشکار کرد که مسؤولیت بزرگی اداره جامعه در نظام اسلامی، چیزی نیست که نسبت به معیارهای اسلامی، بشود درباره آن از موردی صرف نظر کرد. در این کار بزرگ، صد در صد باید معیارها و ارزشهای اسلامی در نظر گرفته شود»<sup>(2)</sup>

6- پیام غدیر، رعایت معیارها است: « نکته ای که برای ما، مسؤولین نظام اسلامی در ایران، اهمیت دارد، این است که وقتی در رأس نظام اسلامی نبوی - یعنی نظام اسلامی ساخته دست مقدس پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم در صدر اول - انسانی مثل امیرالمؤمنین گذاشته می شود، معنایش این است که در همه تاریخ، در همه مسؤولیت های اساسی در نظام اسلامی، باید معیارها رعایت شود».<sup>(3)</sup>

7 - اعتقاد اساسی ما...: « ما، به خصوص

کسانی که پایبند به غدیریم،

ص: 92

---

1- بخشی از سخنان رهبری در «عید غدیر» تاریخ 1389/9/4.

2- بخشی از سخنان رهبری در عید غدیر تاریخ 1373/3/8

3- همان.

مسأله غدیر را اساس اعتقادات خود می دانیم. اصلاً شیعه، مسأله غدیر را پایه و ریشه عقاید شیعی خود می داند. ما باید از این قضیه حداکثر تبعیت و استفاده و پیروی را بکنیم.

در دوران طاغوت، که روز عید غدیر معمول بود، می خواندیم: «الحمله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين عليه السلام و الأئمة عليهم السلام، این تمسک به ولایت، آن روز در اعتقادات و عواطف بود؛ اما در عمل که ولایتی نبود. در عمل، ولایت طاغوت بود؛ ولایت استکبار بود؛ ولایت دشمنان دین بود. آن روز دوستان ما می خواندند: «اللهم اجعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين» یعنی از خدا می خواستند که متمسک به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام باشند. امروز این دعا مستجاب شده است.

این تمسک را باید هر چه بیشتر کنیم. اساس کار تمسک به ولایت هم، تمسک به ارزش های اسلامی است. هر چه را که در اسلام ارزش است، باید در صدد باشید در عمل جذب کنید. ببینید اسلام کدام خصوصیت و عمل را ارزش دانسته است؛ آن وقت سعی در پیاده کردن آن داشته باشید. به تعبیر دیگر، آن ارزش ها را در محیط کار، در انتخاب همکاران، در اجرای مأموریت و در تهیه کردن طرح برای بخشی که مشغول کار در آن هستید، حتما اعمال کنید. این به معنای تمسک کامل به ولایت است»<sup>(1)</sup>.

8- غدیر الهام بخش برای همه: «یک عده هستند که تصور می کنند می شود ملتی مسلمان بود؛ اما به احکام اسلامی عمل نکرد. این تصور،

ص: 93

---

1- بخشی از سخنان رهبری در عید غدیر» تاریخ 1373/3/8.

معنایش جدایی دین از سیاست است. نمی شود که ما فرض کنیم عده‌ای مسلمانند، اما از اسلام فقط نماز، روزه، طهارت و نجاست و امثال این چیزها را دارند. در جوامعی که می خواهند مسلمان باشند، اسلام باید حاکم باشد. غدیر، این پیام را داشت. امروز بسیاری از جوامع، چوب عدم اعتقاد به این معنا را می خورند. ببینید ماجرای غدیر، این جا چقدر می تواند الهام بخش باشد!

پس، غدیر یک مفهوم مترقی و نجات بخش است. ولایت در اسلام یک مفهوم عالی است. این را باید بفهمند. شیعه باید به ولایت افتخار کند و غیر شیعه هم سعی کند آن را بشناسد. بحث علمی و دانستن که دعوا ندارد. بدانند که اصلاً این موضوع چیست» (1).

9- چرا غدیر مهم است؟: «عید غدیر را فرموده اند: «عید الله الاکبر»؛ از همه اعیاد موجود در تقویم اسلامی این عید بالاتر است؛ پر مغزتر است؛ تأثیر این عید از همه این اعیاد بیشتر است. چرا؟ چون تکلیف امت اسلامی در زمینه هدایت، در زمینه حکومت، در این حادثه غدیر معین شده است» (2).

10 - از نظر اسلام، امامت یعنی: «از نظر اسلام، مسأله حکومت فقط این نیست که یک قدرتی بیاید در رأس جامعه اسلامی قرار بگیرد و کارائی داشته باشد برای اداره حکومت و زندگی مردم با نظم و انضباط اداره بشود؛ بلکه حکومت در نگاه اسلامی معنای امامت دارد.

ص: 94

---

1- بخشی از سخنان رهبری در «عید غدیر» تاریخ 1374/2/28.

2- بخشی از سخنان رهبری در «عید غدیر» تاریخ: 1388/9/15.

امامت یعنی پیشوائی جسم و دل؛ هر دو. فقط حاکمیت بر اجسام نیست، اداره زندگی دنیایی و روزمره متعارف مردم نیست؛ مدیریت دلهاست، تکامل بخشیدن به روحها و جانهاست، بالا بردن فکرها و معنویت هاست. این معنای امامت است. اسلام این را می خواهد، ادیان دیگر هم همینجور بوده اند»<sup>(1)</sup>.

ص: 95

---

1- بخشی از سخنان رهبری در «عید غدیر» تاریخ: 1386/10/8.



## 27 - نشانه ای از «بزرگترین عید» در قرآن حکیم

همه نعمتهای مادی و معنوی از سوی خدای سبحان است " وما بکم من نعمتی فی الله،(1). نعمت هایی که انسانهای عادی هرگز توان شمارش آن را ندارند " وإن تعدوا نعمة الله لا تحصوها؟(2)

خدای سبحان در قرآن کریم گاهی از نعمت های مادی و روزیهای ظاهری مانند: آسمان، زمین، آفتاب و ماه یاد می کند و گاهی از نعمت های معنوی و باطنی؛ چنان که به عیسای مسیح و می فرماید: « به یاد نعمتهایی باش که به تو و مادرت مریم دادم. آنگاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره و نیز در میانسالی با مردم سخن گفتی و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و»(3)

نعمت های معنوی مراتب و درجاتی دارد که برترین آنها، نعمت رسالت و امامت است. از این رو در قرآن کریم، از هر دو نعمت به « منت (4) یاد می کند. زیرا: پیامبران و امامان، تأمین کنندگان سعادت ابدی انسان هستند.

ص: 97

1- سوره نحل/53.

2- سوره نحل/18.

3- سوره بقره/47.

4- مت: نعمت سنگینی که حمل و هضم آن دشوار باشد. نه منت زبانی.

در حالی که درباره آفرینش آسمانها، زمین، بهشت و قیامت به «مت» یاد نکرد؛ زیرا آسمانها و زمین گرچه بزرگ است، لیکن در برابر نعمت سنگین و توانفرسای رسالت و امامت، کوچک است.

در قرآن کریم تنها درباره جریان غدیر خم و ولایت امیر مؤمنان به تعبیر منحصر به فرد « اتمام نعمت » آمده است: الیوم اُکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی: (1) امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم. سخن از « اُنعمت علیکم » (به شما نعمت دادم) نیست، بلکه خداوند می فرماید: اتممت علیکم نعمتی: نعمتم را بر شما تام و تمام کردم.

از منظر قرآن کریم، در غدیر خم که عید بزرگ ولایت است، نعمت های معنوی الهی به برترین حد و بالاترین نصاب خود رسید. حال، چون نعمتی برتر از ولایت علی و اولاد علی نیست، عید غدیر برترین اعیاد امت اسلامی است. (2) پس روشن می شود: « عید غدیر » که در روایات، بزرگترین اعیاد شمرده می شود که همان نعمت « ولایت و پیشوایی اهل بیت علیهم السلام است، ریشه های قرآنی دارد.

ص: 98

---

1- سوره مائده /3

2- آیت الله جوادی آملی، شمیم ولایت ص 111 تا 114.



علاوه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم، اهل بیت معصوم او نیز به تبیین و تبلیغ «اصل امامت» پرداختند و در موارد متعددی به «واقعه و خطبه غدیر» تذکر می دادند. (1) در این بخش، چند نمونه از سخنان آن حضرت و اهل بیت علیهم السلام و را مطرح می کنیم:

1- از جناب سلمان خه نقل شده که می فرماید: «در مسجد، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بودیم که مردی بیابان نشین (اعرابی) وارد شد و از مسائل گوناگونی سؤال کرد؛ حضرت پاسخ ها را فرمود. سپس مرد گفت: حاجیان قوم من، خبر آورده اند که در منطقه «غدیر خم»، اطاعت و محبت «علی ع» را بر همه مسلمین واجب کرده ای! ای رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آیا این مسأله از باب خویشاوندی و دامادی است یا حکمی است از جانب خداوند؟

پیامبر و فرمود: «بلکه خداوند آن را واجب و فرض نموده است.

خداوند ولایت (اطاعت او را بر تمامی اهل آسمانها و زمین، واجب

ص: 99

---

1- جهت آشنایی با احادیث نقل شده و دیگر کلمات اهل بیت علیهم السلام در خصوص غدیر، رجوع شود به: عبقات الانوار ج 3 و 5 و 6. إثبات الهداة ج 2 و ج 3. بحار الانوار ج 37 و 97.

کرده است» (1).

2- رسول اعظم: «روز غدیر خم، برترین عیدهای امت من است» (2).

3- رسول اعظم: «ای مسلمانان! حاضران به غایبان برسانند؛ کسی را که به من ایمان آورده و مرا تصدیق کرده است، به ولایت علی سفارش می‌کنم، آگاه باشید ولایت علی، ولایت من است و ولایت من، ولایت خدای من است. این عهد و پیمانی بود از طرف پروردگارم که فرمانم داد تا به شما برسانم» (3).

4- امام علی در خطبه ای پیش از آغاز جنگ صفین چنین فرمود: تعجب از معاویه است که در امر خلافت با من نزاع می‌کند و امامت مرا انکار می‌کند! ای مهاجرین و انصار....! آیا بر شما واجب نیست که مرا یاری کنید؟ و آیا امر من بر شما واجب نیست؟ آیا سخن پیامبر وی را در روز غدیر درباره ولایت و صاحب اختیاری من نشنیدید؟! (4).

5- امام علی ل: «امروز (عید غدیر) روز بس بزرگی است. در این روز گشایش رسیده و منزلت (کسانی که شایسته آن بودند) بلندی گرفت و برهان‌های خدا روشن شد و از مقام پاک باصراحت سخن گفته شد و امروز،

ص: 100

---

1- بحار الانوار ج 40 ص 54 ح 89 حدیث مذکور مفصل بوده و نکات دلنشین و ارزنده دیگری نیز در بر دارد که از نقل آن صرف نظر شد.

2- بحار الانوار ج 37 ص 109 ح 2.

3- بحار الانوار ج 27 ص 141. 4. بحار الانوار ج 32 ص 388.

4- بحار الانوار ج 32 ص 388

6- فاطمه زهرا: « خداوند پس از غدیر خم، برای کسی (در انکار امامت) عذر و بهانه ای باقی نگذاشته است».

همچنین، محمود بن لبید نقل می کند که: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رحلت کرد، کار فاطمه این بود که بر سر قبور شهداء می آمد، و بر سر قبر حمزه می آمد و گریه می کرد.

یکی از روزها من بر سر مزار حمزه رفتم، دیدم که فاطمه - صلوات الله علیها - آنجاست و مشغول گریستن است. من صبر کردم تا از گریه فارغ شد و ...

عرض کردم: آی سیده من! من می خواهم از شما مطلبی را بپرسم که در سینه من می آید و افکار مرا مضطرب می کند! حضرت فاطمه فرمود: بپرس! عرض کردم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و درباره امامت علی به قبل از رحلتشان، کلام صریحی فرموده است؟!

حضرت فرمود: وا عجباً أنسیتیم یوم غدیر خم؟! عجیب است! آیا شما روز غدیر خم را فراموش کردید؟! عرض کردم: بلی روز غدیر خم، تصریحی بر این امر بود، ولی من می خواهم از آنچه که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در پنهانی به شما گفته است سؤال کنم! حضرت فرمود: أشهد الله تعالی لقد سمعته يقول: علی فیکم خیر من أخلفه فیکم و هو الإمام و الخلیفه بعدی، و بطاه و تسعة من صلب الحسین أئمة أبرار: «من خداوند را شاهد می گیرم که شنیدم می فرمود: علی

ص: 101

در میان شما بهترین کسی است که من در میان شما می گذارم و بعد از من او امام و خلیفه است؛ و دو فرزند او با نه نفر از صلب حسین، پیشوایان نیکو کردارند(1)

7- ابواسحاق از امام سجاد و پرسید: معنای سخن پیامبر

که فرمود: « من كنت مولاة فعلي مولاة»، چیست؟ فرمود: به ایشان خبر داد که او (علی)، امام پس از وی می باشد.(2)

8- ابان بن تغلب می گوید: از امام باقر لا پرسیدم: معنای سخن پیامبر و که فرمود: «من كنت مولاة فعلي مولاة»، چیست؟ حضرت فرمود: ای اباسعید، آیا چنین مطلبی جای سؤال دارد؟! به آنها فهماند که او (علی) جانشینش خواهد بود.(3)

نیز از امام باقر و نقل شده که فرمود: «لم یناد بشیء مثل ما نودی بالولاية یوم غدیر»: (4) هیچ حکم و امری مثل «ولایت»، در روز غدیر اعلام نشده است.

9- امام صادق لیلًا: «... و روز غدیر خم در میان روزهای عید فطر و

ص: 102

1- بحار الأنوار ج 36 ص 352 ح 224

2- اثبات الهداة ج 3 ص 37 ح 139.

3- اثبات الهداة ج 3 ص 37 ح 14: «عن أبان بن تغلب قال: سألت أبا جعفر محمد بن علي عليهما السلام عن قول النبي ص «من كنت مولاة فعلي مولاة»؟ فقال: يا أبا سعید تسأل عن مثل هذا أعلمهم أنه يقوم فيهم مقامه».

4- اصول کافی ج 2 ص 21.

قربان و جمعه همانند ماه در میان ستارگان است».(1)

10 - از امام صادق به نقل شده که فرمود: « در این روز، یک درهم به برادران با ایمان و معرفت دادن، برابر هزار درهم است؛ بنابراین در این روز به برادرانت انفاق کن و هر مرد و زن مؤمن را شاد گردان».(2)

11 - امام صادق ع: « پیامبر و برای امیر المؤمنین علیه السلام در غدیر خم، پیمان گرفت و به ولایت او اقرار کردند. خوشا به حال آنان که بر ولایت او ثابت قدم ماندند و وای بر کسانی که آن را شکستند».(3)

12 - امام موسی بن جعفر یه روزی در پاسخ به یکی از سوالات هارون الرشید، فرمود: « ما می گوئیم: ولایت همه خلائق با ماست ... و ما این ادعا را از کلام پیامبر در غدیر خم می نمایم که فرمود: « من کنت مولاه فعلی مولاه».(4)

13 - امام هادی ع در زیارت حضرت علی علیه السلام در روز غدیر فرمود:

« پیامبر و تو را در مواطن و جاهای متعددی به امارت و فرماندهی منصوب نمود و کسی بر تو امارت نداشت».(5)

ص: 103

---

1- سید بن طاووس، الاقبال ص 466.

2- مصباح المتهجد ص 737.

3- بحار الانوار ج 27 ص 140.

4- بحار الانوار ج 48 ص 147.

5- جهت آشنایی با احادیث نقل شده و دیگر کلمات اهل بیت علیهم السلام در خصوص غدیر، رجوع شود به: عبقات الانوار ج 3 و 5 و

6. إثبات الهداة ج 2 و ج 3. بحار الانوار ج 37 و 97.



سوره معارج چنین آغاز می شود: سأل سائل بعذاب واقع (1) للكافرين لي له دافع (2): تقاضا کننده ای، تقاضای عذابی کرد که به وقوع پیوست، این عذاب مخصوص کافران است، و هیچ کس نمی تواند آن را دفع کند.

بسیاری از مفسران و راویان حدیث در ذیل این آیات، شأن نزولی نقل کرده اند که خلاصه اش چنین است:

پیامبر اسلام، علی طلب را در غدیر خم به خلافت منصوب کرد و درباره او گفت: «من كنت مولاه فعلى مولاه» چیزی نگذشت که خبر آن واقعه در اطراف پیچید.

نعمان بن حارث فهری» (که از منافقان بود)، خدمت پیامبر آمد و عرض کرد: تو، به ما دستور دادی که شهادت به یگانگی خدا، و رسالت تو بدهیم ما هم شهادت دادیم، سپس دستور به جهاد و حج و نماز و زکات دادی، همه اینها را پذیرفتیم، ولی به اینها راضی نشدی، تا اینکه این جوان اشاره به علی (ع) را به جانشینی خود منصوب کردی و گفتی: هر کس من مولای او هستم، علی مولا و رهبر اوست. آیا این کار از ناحیه خودت بوده یا از سوی خدا؟

پیامبر فرمود: قسم به خدایی که معبودی جز او نیست، از ناحیه

نعمان بن حارث» روی برگرداند و گفت: «خداوندا! اگر این سخن حق است و از ناحیه تو است، سنگی از آسمان بر ما بباران! ناگهان سنگی از آسمان بر سرش فرود آمد و او را کشت و اینجا بود که آیه سأل سائل بعذاب واقع، نازل گشت. (1)

ص: 106

---

1- علامه امینی در کتاب الغدیر ج 1، ص 470، این روایت را از سی نفر از علمای اهل سنت (با ذکر مدرک و عین عبارت نقل می کند، از جمله سیره حلبی، «فرائد السمطين» حموینی، «درر السمطين» شیخ محمد زرنندی، «السراج المنیر» شمس الدین شافعی، «شرح جامع الصغیر» سیوطی و «تفسیر غریب القرآن» حافظ ابو عبید هروری، و «تفسیر شفاء الصدور» ابوبکر نقاش موصلی و کتاب های دیگر.



عارف بزرگ، مرحوم میرزا جواد آقا تبریزی، در خصوص «روز غدیر» می نویسند: «الغدیر و ما ادراك ما الغدیر؟: غدیر، و توجه دانی که روز غدیر چیست؟ و در ادامه می فرماید: «در مبحث بعثت رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم، اشاره کردیم که آن روز از جهت شرافت، شریف ترین اوقات و ایام است و روز غدیر نسبت به روز مبعث، به منزله روح آدمی است. زیرا هر آنچه در این مبعث شریف، از خیر و خوشبختی است، مشروط به ولایت علی و امامان لب از فرزندان اوست»<sup>(1)</sup>.

به خاطر عظمت و شرافت «روز غدیر» در متون دینی، آداب و اعمالی برای این روز، بیان شده که به چند نمونه اشاره می شود<sup>(2)</sup>.

### 1- یاد خدا و پیامبر

در آداب غدیر تأکید شده که در این عید بزرگ با روزه و نماز به یاد خدا و محمد و آل او ب باشید.

ص: 107

---

1- مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه: علیرضا خسروی، بخش مراقبتهای ذی الحجة.

2- ر.ک: شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال روز غدیر. میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، بخش: مراقبات ذی الحجة.

## 2- دعا در شب و روز غدیر

از پیشوایان اسلام، دعاهای مختلفی در شب و روز این عید بزرگ نقل شده است که این مقاله گنجایش نقل آنها را ندارد. محدثان زیادی، این ادعیه را نقل کرده اند؛ از جمله سید بن طاووس و علامه مجلسی و شیخ عباس قمی که می توان به کتب آنان مراجعه کرد.

## 3- تبریک و تهنیت گفتن

تبریک و تهنیت از برجسته ترین آداب هر عیدی است. در اسلام نیز ست تبریک و تهنیت در عید غدیر جایگاهی ویژه یافته است. پیامبر بر تبریک گفتن در این تأکید می ورزید و به مردم می فرمود: هنتونی هنتونی: به من تهنیت (تبریک و شادباش) بگوئید، به من تهنیت بگوئید. امام رضاع فرمود که، هنگام برخورد با یکدیگر بگوئید: « الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين عليه السلام البيع »: سپاس خدای را که ما را از تمسک کنندان به ولایت امیر مؤمنان با قرار داده است.

## 4- برآورده کردن نیاز مؤمنان و کمک به ایشان

کمک کردن به ضعیفان و نیازمندان پیام ویژه صاحب غدیر برای روز غدیر است؛ پیامی که به فرمان حضرت و باید دهان به دهان به همه مردم ابلاغ شود: « باید در روز غدیر ثروتمند به تهی دست و توانا به ناتوان کمک کند ». امام صادق

فرمود: « در عید غدیر حاجت های برادرانت را برآور! ». [\(1\)](#)

ص: 108

---

1- رجوع شود به: مفاتیح الجنان و المراقبات، بخش: مراقبات ذي الحجة.

امام علی؟ فرمود: « از آنچه خدای متعال بر شما ارزانی داشته، به خانواده و برادرانتان ببخشید». و نیز فرمود: « نعمت های خداوند را به یکدیگر هدیه کنید همان طور که به شما عطا فرموده است.

از امام رضاع روایت شده که فرمود: « در این روز بر برادرانت بخشش کن». آن حضرت و در این روز برای خانواده گروهی از اصحاب غذا، گندم، لباس های نو و حتی انگشتر و کفش فرستاد. (1)

#### 6- بستن عقد اخوت و برادری

روز ولایت، روز برادری است و روز برادری روز ولایت است؛ این دو با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند و حلقه وصلشان ایمان است؛ زیرا از سویی ایمان با ولایت پا می گیرد و از سوی دیگر اهل ایمان برادر یکدیگرند.

به همین دلیل عقد برادری یکی از آداب روز غدیر شمرده شده است. این عقد به صورت زیر است: یکی از دو نفر دست راست خود را بر دست راست دیگری می گذارد و می گوید:

أخیک فی الله و صافیتک فی الله و صافحتک فی الله و عاهد الله و ملائکتہ و رسلہ و انبیائہ و الائمة المعصومین ع علی أني إن كنت من اهل الجنة و الشفاعة و أذن لي بأن أدخل الجنة لا ادخلها الا و أنت معي.

با تو در راه خدا برادر می شوم؛ با تو در راه خدا راه صفا و صمیمیت در پیش می گیرم؛ با تو در راه خدا دست می دهم و با خدا، ملائکه، کتاب های فرستادگان و پیامبرانش و ائمه معصومین ( عهد می بندم که اگر از اهل

ص: 109

بهشت و شفاعت شده، اجازه ورود به بهشت یافتم، داخل آن نشوم مگر آنکه تو با من همراه شوی.

آنگاه دیگری می گوید: قبل؛ یعنی، قبول کردم. سپس می گوید: أسقط عنك جميع حقوق الاخوة ما خلا الشفاعة و الدعاء و الزيارة؛ جز شفاعت و دعا و زیارت، همه حقوق برادری را ساقط کردم. (1)

#### 7- غسل کردن

علمای شیعه بر استحباب غسل در روز غدیر اجماع دارند و آن را مستحب مؤکد می دانند. بهتر این است که غسل در اول روز انجام گیرد. (2)

#### 8- توسعه در زندگی

در روز غدیر، باید چهره زندگی عوض شود. همه باید بکوشند برنامه عادی زندگی خود را بر هم زده و آن را با رفتارهایی سخاوتمندانه تر و نشاط انگیز تر بیار آیند تا همگان در همه جا طعم شیرین عید را بچشند و رایحه دل انگیز آن را استشمام کنند.

امام رضا و فرمود: هو الیوم الذی یزید الله فی مال من عبدالله و وسع علی

عیاله و نفسه و اخوانه ..

روز غدیر روزی است که خدای متعالی در مال کسی که خدا را

عبادت کند و بر خانواده، خویشان و برادران ایمانی اش توسعه دهد فزونی

ص: 110

---

1- مفاتیح الجنان، اعمال ذی الحجّة. در دیگر کتب نیز صیغة عقد اخوت آمده است. مانند: مستدرک الوسائل، محدث نوری ج 1 ص

456

2- مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه علیرضا خسروی، بخش: مراقبت های ذی الحجّة ص 489.

## 9- تبسم و لبخند

امام رضا و فرمود: ... و هو يوم التبسم في وجوه الناس من اهل الإيمان فمن تبسم في وجه اخيه يوم الغدير نظر الله اليه يوم القيامة بالرحمة وقضي له الف حاجة وبتى له في الجنة قصره من در بیضاء و نضر وجهه : روز غدیر روز تبسم به روی مؤمنین است. کسی که در این روز به روی برادر مؤمنش تبسم کند، خداوند، در روز قیامت، نظر رحمت به او می افکند، هزار حاجتش را برآورده ساخته و قصری از در سفید برایش بنا می کند و صورتش را زیبا می سازد. (2)

## 10 - روزه گرفتن

روزه در روز غدیر، بسیار مستحب است و فضیلتی استثنایی دارد و پیرامون روزه غدیر روایت بسیار وارد شده است از جمله:

امام علی الله فرمود: إذا اخلص المخلص في صومه لقصرت ايام الدنيا عن كفايته.

اگر بنده مخلصی در روزه این روز اخلاص داشته باشد، همه روزهای دنیا توان برابری با آن را ندارد؛ به عبارت دیگر، اگر کسی تمام روزهای دنیا زنده باشد و همه را روزه دار سپری کند، ثوابش کمتر از ثواب روزه (روزه با

ص: 111

---

1- همان ص 485.

2- همان ص 485.

اخلاص) این روز خواهد بود.(1)

امام صادق و یارانش را به این امر تشویق می کرد و می فرمود: «إني

أحب لكم أن تصوموه : من دوست دارم شما این روز را روزه بگیرید.

آن بزرگوار همچنین می فرماید: «صيام يوم غدیر خم يعدل عند الله في كل عام مائة حجة و مائة عمرة مبرورات متقبالات»: روزه روز غدیر خم نزد خداوند، در هر سال، برابر با صد حج و صد عمره مقبول است.

## 11 - زیارت حضرت علی

زیارت امیر مؤمنان و در این روز مستحب مود است و سزاوار است که انسان هر کجا باشد، سعی کند خود را به قبر مطهر آن حضرت برساند.

امام رضاع به ابن ابی نصر بنظمی فرمود: «ای فرزند ابونصر، هر کجا بودی در روز غدیر کنار قبر امیر مؤمنان حاضر شو! همانا خداوند در این روز گناه شصت سال مرد و زن مؤمن را می آمرزد؛ به درستی که پروردگار در این روز دو برابر آنچه در ماه رمضان، شب قدر و شب عید فطر آزاد می کند، می رهااند»

برای آن جناب در این روز، سه زیارت مخصوص نقل شده که یکی از آنها زیارت معروفی است به نام «أمین الله» که از دور و نزدیک خوانده می شود و آن از زیارات جامعه مطلقه است.(2)

ص: 112

---

1- رجوع شود به: میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه: علیرضا خسروی، بخش مراقبت های ذی الحجة ص 482. مفاتیح الجنان و دیگر کتب مربوطه.

2- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال ذی الحجة. المراقبات ص 488.

امام علی فرمود: « و اظهروا السرور في ملاقاتکم »: در برخورد هاشادی را آشکار کنید.

امام صادق؟ فرمود: « روز غدیر، روز خوشحالی و شادی است ».

### 13 - نظافت، زینت و استعمال بوی خوش

امام صادق فرمود: « يجب أن يلبس المؤمن انظف ثيابه و افخرها »: در روز غدیر لازم است مؤمن پاکیزه ترین و فاخرترین لباس خود را بپوشد.

مرحوم میرزا جواد آقا تبریزی در المراقبات، می نویسد: « نیز مستحب موکد است در اول روز غسل کند. پاکیزه ترین لباس خود را بپوشد و بوی خوش استعمال کند و در موقع دست دادن با مؤمنان بگوید: « الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين عليه السلام و الائمة(1) »

### 14 - ذکر صلوات

امام صادق به فرمود: « در روز غدیر، بر محمد و اهل بیتش صلوات بسیار می فرستی ». (2)

15 - نماز روز غدیر دو رکعت نماز که هر وقت روز بخواهد، می تواند بجا آورد ولی نزدیک

ص: 113

---

1- میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه علیرضا خسروی، بخش مراقبتهای ذی الحجة ص 491.

2- مفاتیح و دیگر منابع پیش گفته.

ظهر، فضیلت آن بیشتر است. اگر در این دو رکعت بعد از حمد، سوره های توحید، قدر و آیه الکرسی را ده مرتبه خوانده شود، در روایات، آثار فراوانی برای آن بیان گردیده است.

ص: 114



امت بی امام، کشتی بی ناخداست. راه بی علامت است. شب بی چراغ است. اگر غدیر و رهبری الهی نباشد، استعدادها شکوفا نمی شود. در کنار پیشرفت امروز دنیا، فساد و جنایت نیز پیشرفت می کند. یعنی بال علم و تکنولوژی، حرکت می کند، ولی بال معنویت شکسته است و این است سیمای انسان بدون غدیر! یعنی، بدون رهبری الهی در جهان!

خیلی تعجب است از کسانی که می گویند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و از دنیافت و کسی را به جانشینی تعیین نکرد!!؛ مگر در تاریخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نمی خوانیم: هر گاه قبیل‌های مسلمان می شدند، فوراً برای آنان حاکم و پیشوا تعیین می فرمود.

هر گاه لشکری اعزام می کرد برای آنها فرمانده تعیین می فرمود و همین که به مدینه هجرت کرد، در مکه برای خود جانشین مشخص نمود.

ابوعلی سینا می گوید: چگونه باور کنیم خدای حکیمی که از مژه چشم و گودی کف پا غفلت نکرده، از رهبری مردم غافل شده است؟

مگر قرآنی که هر کس می تواند آیه ای (آیات کلی، مطلق و یا متشابه) از آن را دستاویز اهداف خود کند، بدون مفسر معصوم (مانند

رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم) قابل تکیه است؟»(1)

از همین رو، پیامبر خدا، سفارش نمود تا همگان به هر دو ثقل (کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام تمسک جویند تا گمراه نشوند.

ص: 116

---

1- بخشی از مقاله استاد محسن قرائتی در خصوص «غدیر» به نام: پیوند رسالت و ولایت.

اگر کسی اهداف و مقاصد ادیان آسمانی، به ویژه اسلام را با خود مرور کند، اگر کسی سیره و زندگی انبیاء گذشته را مطالعه نماید

اگر کسی بدون تعصب در خصوص رابطه میان امام معصوم و بشر نیازمند خوب تأمل کند، بی تردید نصب و معرفی جانشین از طرف پیامبر ارا عاقلانه ترین و ضروری ترین کار خواهد شمرد.

آیا می دانید که همه انبیاء بزرگ، جانشین و خلیفه داشتند؟

در روایات آمده است: وصی حضرت آدم، پسرش جناب شیث\* بود؛ وصی و جانشین حضرت نوح، جناب سام، وصی ابراهیم، جناب اسماعیل، وصی موسی له یوشع بن نون، وصی حضرت داوود و سلیمان نبی ال و بالاخره وصی عیسی ال شمعون، بود. (1)

آیا این سنت و قانون الهی و طبیعی، وقتی به پیامبر خاتم رسید، به یکبارهنسوخ شد؟ و کار مدیریت و رهبری و تعیین آن به مردم سپرده شد؟

ص: 117

اینست که شیعه بر اساس تعالیم الهی و نصوص فراوان، می گوید: خاتم انبیاء هم قطعه وصی و جانشینی دارد که او خاتم اوصیاء است و آن شخص به تصریح نبوی، امیر مؤمنان علی ع می باشد.

عالم اهل سنت، شیخ محمد عبدالعال که پس از مدت ها تحقیق، مذهب تشیع را برگزید، در مصاحبه ای می گوید: «از مهم ترین کتاب هایی که خوانده ام، کتاب «المراجعات» است؛ که چیزی بر ایمان من نیفزود و تنها بر معلوماتم اضافه شد. تنها حادثه ای که مرا به ولایت اهل بیت علیهم السلام به رهنمون ساخت این بود که روزی ..

« روزی در پیاده رو، رویه روی مغازه یکی از اقوامم نشسته بودم. مغازه های کوچک بود. شنیدم صاحب مغازه به یکی از نوه های خود امر می کند که به جای او در مغازه بنشیند، تا نماز عصر را بجای آورد.

من به فکر فرو رفتم، که چگونه یک نفر صاحب مغازه، مغازه خود را رها نمی کند تا به نماز برود، مگر آنکه کسی را به جای خود قرار دهد که بتواند حافظ اموالش باشد. حال چگونه ممکن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و یک امتی را بدون امام و جانشین رها کند! به خدا سوگند که هرگز چنین نخواهد بود»<sup>(1)</sup>.

ص: 118

---

1- کتاب: المتحولون ج 3 ص 113. به نقل از: حسن ملک محمدی، هزار و یک نکته درباره غدیر ص 118.

روزی از روزهای خلافت امام علی، جمعه و عید غدیر به یک روز افتاد. امام ع خطبه مفصلی خواند و فرمود: «این مجمع اکنون به پایان می رسد و شما همگی به خانه هایتان بر می گردید، بروید - خدای بر شما رحمت فرستد - و بر خانواده خود فراخ گیرید و به برادران خود نیکی کنید.

خداوند را بر این نعمت که شما را بخشیده است، سپاس گزارید. متحد شوید تا خدا کمکتان کند. نیکویی کنید تا خدا دوستیتان را پایدار کند. از نعمت های خداداد، یکدیگر را هدیه فرستید.

خداوند در این روز چندین برابر دیگر عیدها پاداش دهد. این گونه پاداش را جز در این روز (غدیر) دیگر نخواهید یافت. نیکویی کردن در این روز، مال را بسیار کند و عمر را زیاد.

مهربانی کردن باعث رحمت و مهربانی خدا شود. در این روز به برادران و خاندان، از مالی که خدا داده ببخشید، هر اندازه که بتوانید. همواره چهره خود را خندان کنید. چون به یکدیگر رسیدید، شادمانی کنید، و خدا را بر نعمتهایش سپاس گوئید. بروید و به آنان که امیدشان به شماست، نیکی بسیار کنید در خورد و خوراک، خود و زیر دستانتان یکسان باشید. این یکسانی و مساوات را تا جایی که توانایی دارید عملی سازید، که پاداش یک

درهم در این روز، صد هزار درهم است و برکت به دست خداست.

روزه این روز را نیز خداوند مستحب قرار داده است و در برابر آن، پاداشی بس بزرگ نهاده است. اگر کسی در این روز، نیاز برادران خود را برآورد - پیش از تمنا و درخواست - و با میل و رغبت خوبی کند، پاداش او چنان باشد که این روز را روزه داشته است و شب آن را با عبادت به بامداد رسانیده است. و هر کس در این روز به روزه داری افطار دهد، چنان است که گویی دسته دسته مردم را افطاری داده است....

همین که به یکدیگر رسیدید همراه سلام، مصافحه (دست دادن کنید و نعمتی را که در این روز نصیبتان شده است به یکدیگر تبریک گوید).

باید این سخنان را آن که بود و شنید به آن که نبود و نشنید، برساند. باید توانگران به سراغ مستمندان روند و قدرتمندان به دنبال ضعیفان، پیامبر ا مرا به این چیزها امر کرده است»<sup>(1)</sup>.

سپس امام و خطبه جمعه را خواند و نماز جمعه را نماز عیدش قرار داد، بعد همراه فرزندانش و شیعیانش به منزل ابا محمد حسن بن علی برگشت که غذا آماده کرده بودند و آن شیعیان نیازمند و بی نیاز با هدایای حضرتش به طرف خانواده خود برگشتند.<sup>(2)</sup>

ص: 120

---

1- ترجمه از : استاد محمد رضا حکیمی، حماسه غدیر ص 71.

2- مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه علیرضا خسروی، بخش ذی الحجة ص 480.

شیخ عباس قمی خان در مفاتیح می فرماید: «هیجدهم ذی الحجة، روز عید غدیر و عید الله الاکبر و عید آل محمد و است؛ عظیم ترین اعیاد است و مبعوث فرموده حق تعالی پیامبری را مگر آنکه عید گرفته این روز را و حرمت آن را دانسته است. نامش در آسمان روز عهد معهود و در زمین، روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است»<sup>(1)</sup>.

در خصوص اینکه «روز غدیر»، «عید اولیاء و انبیاء» بوده، ائمهاب بیاناتی دارند از جمله:

یکم. حسن بن راشد گوید: به امام صادق یلی گفتم: آیا مسلمانان به جز آن دو عید، عید دیگری هم دارند؟ فرمود: بله، بزرگترین و بهترین عید. گفتم: کدام روز است؟

فرمود: «روزی که امیر مؤمنان به عنوان پرچم (علم و نشانه)، برای مردم منصوب شد».

گفتم: فدایت شوم در آن روز سزاوار است، چه کنیم؟ فرمود: «روزه بگیر و درود بر محمد و آل او بفرست و از ستمگران به آنان برائت

ص: 121

---

1- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال ذی الحجة.

بجوی، زیرا پیامبران به جانشینان دستور می دادند که روزی را که جانشین انتخاب می شود، عید بگیرند».(1)

دوم. امام صادق ع فرمود: « در روز عید غدیر، خدا را با روزه و عبادت و یاد پیامبر و خاندان او یادآوری کنید، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به امیرالمؤمنین سفارش کرد که آن روز را عید بگیرد، همینطور پیامبران هم به جانشینان خود سفارش می کردند که آن روز را عید بگیرند، آنان هم چنین می کردند».(2)

ص: 122

---

1- مصباح المتعجد ص 680.

2- وسائل الشیعة ج 7 ص 327 حدیث.



ادیبان و شعرای برجسته پارسی زبان، واقعه با شکوه «غدیر» و پیام های آن را به نظم کشیده اند که در این مجال به آثار برخی از مشاهیر اشاره می شود:

یکم. حکیم ابوالقاسم فردوسی (م 411ق):

منم بنده اهل بیت نبی \*\*\* ستاینده خاک پای «وصی»

اگر چشم داری به دیگر سرای \*\*\* به نزد «نبی و وصی» گیر جای

گرت زین بد آید، گناه من است \*\*\* چنین است و این رسم و راه من است

بدین زادم و هم بدین بگذرم \*\*\* و چنان دان که خاک پی حیدرم

دوم. خواجه عبد الله انصاری (م 481ق):

ای خوانده تو را خدا ولی، ادرکنی \*\*\* بر تو ز نبی «نص جلی»، ادرکنی

دستم تهی و لطف تو بی پایان است \*\*\* یا حضرت مرتضی علی، ادرکنی

سوم. ناصر خسرو قبادیانی (م 481ق):

ص: 123

---

1- دایرة المعارف تشیع ج 12، ماده غدیریة، ص 48 تا 52، در خصوص غدیر، سروده های فراوانی از شاعران معروف، در این کتاب ذکر شده است که آنچه در این نگاشته آمده، بخش بسیار اندکی است.

شرف مرد، به هنگام، پدید آید از او\*\*\* چون پدید آمد تشریف علی روز غدیر  
او سزاید که وصی بود نبی را در خلق\*\*\* که برادرش بد و بن عم و داماد و وزیر

چهارم. سنایی غزنوی (م 590ق) در حدیقه الحقیقه گفته است:

نائب مصطفی به روز غدیر\*\*\* کرده بر شرع خود، مر او را میر

پنجم. خاقانی شروانی، ابراهیم بن علی (م 582ق):

به جان پادشه سوگند خوردم\*\*\* که نزد پادشه جز پادشه نیست ....

اشاره می کند به ایستادن علی در کنار پیامبر در روز غدیر خم.)

ششم. فرید الدین عطار نیشابوری (م 586ق):

گفت پیغمبر به یاران این سخن\*\*\* پیک رب العالمین آمد به من

گفت: حیدر را خدا این تحفه داد\*\*\* بر همه خلق جهان فضلش نهاد

چون که او برگشت از حج الوداع\*\*\* در غدیر خم مکان کرد آن مطاع جبرئیل از حضرت عزت رسید نزل از حضرت به پیش او کشید پیش

او کشید

پیش حق آورد پیک آیه یا ایها بلغ الیک

چون نبی فرمود منبر ساختند\*\*\* از جهاز اشترش افراختند

گفت هر کس را منم مولای او\*\*\* پس علی مولای او باشد نکو

حیدر از فرمان رب کائنات\*\*\* شد ولی بر مؤمنین و مؤمنات

هفتم. مصلح الدین سعدی شیرازی (ق 690ق):

منم کز جان شدم مولای حیدر\*\*\* امیر المومنین علیه السلام آن شاه صفدر

علی، کورا خدا بی شک، ولی خواند\*\*\* به امر حق، ولی کردش پیامبر

به آن روزی که وحی آمد نبی را\*\*\* که از پالان اشتر ساخت منبر

که بعد از مصطفی در کل عالم\*\*\*بد فاضل تر و بهتر ز حیدر

هشتم. سید محمد حسین شهریار (م 1367ش):

یا علی نام تو بردم، نه غمی ماند و نه همی\*\*\*بایی أنت و أمی

منکر عید غدیر خم و آن خطبه و تنزیل\*\*\*کر و کوراست و عزازیل

با کر و کور چه عید و چه غدیر و چه خمی؟\*\*\*بایی أنت و أمی بی ولای علی و آل، چه فقه و چه شمی؟\*\*\*بایی أنت و أمی

نهم. محمد رضا حکیمی خراسانی (متولد 1314ش):

تا طنین افکند در گیتی، ندای الغدیر\*\*\*گشت بانگ حق طنین افکن زنای الغدیر

شور حق افتاد در اقطار عالم آشکار\*\*\*حق بلند آوازه شد باز از ندای الغدیر

دهم. امام خمینی :

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی\*\*\*از خم دوست جوانم به خم روی علی

طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست\*\*\*یاد آرم به خرابات چو ابروی علی

ص: 125



در عرصه تاریخ تشیع، اندیشوران نستوه فراوانی بوده اند که در راه تبیین، تبلیغ و احیاء «اصل امامت» و ضرورت آن، زحمات جانفروسانی را متحمل شده اند که شمردن اسامی ایشان و آثار آن بزرگان، دفتری مستقل می طلبد. در این فرصت، از میان آن همه، به معرفی دو پژوهشگر برجسته در جهان تشیع می پردازیم که حقیقتاً زندگی خود و جوانی خود را صرف «ولایت و امامت» کردند.

نخست علامه میر حامد حسین هندی(1)

یکی از بزرگترین پاسداران حریم تشیع و ولایت، علامه مجاهد میر حامد حسین هندی نیشابوری (1246 - 1306 قمری) است که در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری در هندوستان می زیست؛ میر حامد حسین، عالمی پر تتبع و بسیار سختکوش بود و بر آثار عالمان گذشته و اخبار و روایات احاطه داشته

ص: 127

---

1- ولادت آن عالم بزرگوار در هندوستان، منطقه لکنه و به سال 1246 هجری در یک خاندان علم و تقوی اتفاق افتاد. خاندان او اصالتاً ایرانی و أهل نیشابور بوده اند و پس از گذشتن شصت سال از عمر شریفش در هجدهم ماه صفر 1306 قمری بدرود حیات گفت. بدن مطهرش در همام شهر، حسینیه غفران مآب مدفون گردید و تا حال مزار مقدسش مورد توجه و احترام اهالی آن دیار بوده است.

و در این خصوص شهرت خاصی دارد. او حق عظیمی بر گردن شیعیان دارد و کتاب بی مانند و جاودانش: عبقات الانوار فی إثبات إمامة الأئمة الأطهار، از آثار درخشان در موضوع «امامت و وصایت» است.

این اثر، بزرگترین و پر حجم ترین کتاب اوست و از شاهکارهای علمی و اعتقادی شیعه، در موضوع امامت، به شمار می رود. در این کتاب، آیات و روایاتی مانند « حدیث غدیر » با تتبع گسترده و بی نظیر مورد کاوش قرار گرفته است. مؤلف بزرگوار، این کتاب عظیم و شگفت انگیز را در مناقب ائمه اطهار د و در رد کتاب ضد شیعی: تحفة اثنا عشریة (نوشته: عبد العزیز دهلوی) نوشته است.

امام خمینی و در مبحث امامت از کتاب «کشف الاسرار»، زمانی که به حدیث غدیر می رسند، می نویسند: «... هر کس بخواهد اطلاع از چگونگی حدیث غدیر پیدا کند، باید رجوع کند به کتاب عبقات الانور سید بزرگوار میر حامد حسین هندی، که چهار جلد بزرگ (1) در حدیث غدیر تصنیف کرده و چنین کتابی تا کنون نوشته نشده است». (2)

عارف وارسته میرزا جواد ملکی تبریزی، در اهمیت و اعتبار این کتاب می فرماید: «هر کس تفصیل تمام آن و بیشتر و بالاتر را بخواهد، به کتاب 1 عبقات الانوار» تألیف: سید العلماء الاعلام میر حامد حسین ما مراجعه کند؛ زیرا نه در اسلام و نه در سایر ادیان، مانند این کتاب در اثبات وصایت و

ص: 128

---

1- در جاب جدید، ده مجلد (1-10) از عبقات، اختصاص به «حدیث غدیر» دارد.

2- امام خمینی، کشف الاسرار ص 141.

جانشینی، نوشته نشده است(1)

علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره آثار میر حامد حسین به ویژه عبققات می نویسد:

کتاب های با عظمت و مفید میر حامد حسین، دریای ژرف نگری و باریک بینی را پر موج گردانده است. مهمترین و پر آوازه ترین اثر او عبققات الانوار» در مناقب ائمه اطهار - علیهم السلام - است

و میر حامد حسین تمام حقایقی را که «دهلوی» در باب امامت منکر شده با بهره گیری از احادیث و اخباری که از طریق اهل سنت نقل شده، ثابت کرده است»(2).

دوم. علامه شیخ عبدالحسین امینی(3)

دانشمند نستوه و مصلح بزرگ عبد الحسین نجفی معروف به علامه امینی (1281 - 1349 شمسی) از جمله اندیشورانی است که در حوزه های مختلف، به ویژه « امامت » تحقیقات گسترده و ژرفی دارد.

بدون شک، از میان تألیفات گرانبهای علامه امینی، هیچ یک به پایه شاهکار گرانسنگ او یعنی «الغدیر فی الکتاب و السنة و الأدب» (در 11 مجلد) نمی رسد. در خصوص واقعه و حدیث غدیر، کتابی به مانند «الغدیر» نوشته

ص: 129

---

1- مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، المراقبات، ترجمه علیرضا خسروی، بخش مراقبتهای ذی الحجة ص 466.

2- علامه آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر ج 1 ص 348.

3- متولد تبریز و مدفون در شهر نجف اشرف.

نشده است. مؤلف نستوه آن، تقریباً 40 سال از حیات خود را برای نگارش این دایرة المعارف جامع صرف نموده است و برای تکمیل کتابش به کشورهای ایران، هند، سوریه و ترکیه سفر کرده و منابع و مصادر « واقعه غدیر » را بررسی و در صورت نیاز، نسخه برداری کرده است. (1)

استاد محمد رضا حکیمی درباره «الغدیر» می گوید:

آن چه در کار کتاب الغدیر مهم است، فقه التاریخ است. مورخان ما کمتر به فقه تاریخ پرداخته اند و بیشتر کار آنان منحصر به جمع و تدوین بوده است نه نقد و تطبیق، لکن در الغدیر به مباحث تطبیقی بی شماری می رسیم که برای روشن کردن تاریخ اسلام و نشان دادن مقدار اعتبار دیگر مآخذ و هم مقیاس هایی کلی برای شناخت این مسائل، سندی علمی و قاطع است.

در واقع صاحب الغدیر به علت مطالعات بی کران خویش در مآخذی که به چندین هزار می رسد، به اعمال ضوابط تطبیقی دست زد؛ ضوابطی که برای متبعی چون او اصالت دارد و برای مراجعان به کتاب او نیز حجیت آنها، از روی مستندات فراوانی که به دست می دهد، به زودی استنباط می شود. مسلم کسی که الغدیر را بخواند، از اسلام و تاریخ آن (و علوم حدیث و تفسیر و ...) صورتی به دست می آورد که تاکنون نداشته و در مآخذ دیگر بدان نرسیده بوده است.

هر دانشمندی که الغدیر را مطالعه کرده - ولو بخشی از آن را در

ص: 130



تعریف و تمجید آن و مؤلفش نکاتی گفته است. برای روشن شدن اهمیت این کتاب بزرگی که نشانگر عظمت آن عالم ربانی است، به چند نمونه بسنده می‌کنیم:

استاد عادل غضبان، مدیر مجله مصری «الکتاب» - در مقدمه جلد سوم - می‌گوید:

این کتاب، منطق شیعه را روشن می‌کند و اهل سنت می‌توانند به وسیله این کتاب، شیعه را به طور صحیح بشناسند. شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود و مجموعه صف واحدی تشکیل دهند.

دکتر محمد غلاب، استاد فلسفه در دانشکده «اصول دین» جامع ازهر، در تقریظی که بر الغدیر نوشته و در مقدمه جلد چهارم چاپ شده می‌گوید:

کتاب شما در وقت بسیار مناسبی به دستم رسید، زیرا اکنون مشغول جمع آوری و تألیف کتابی درباره زندگی مسلمین از جوانب مختلف هستم، لهذا خیلی مایلیم که اطلاعات صحیحی درباره شیعه امامیه داشته باشیم. کتاب شما به من کمک خواهد کرد و من دیگر مانند دیگران درباره شیعه اشتباه نخواهم کرد. (1)

دکتر عبدالرحمن کیالی حلبی پس از اشاره به انحطاط مسلمین در عصر حاضر و اینکه چه عواملی می‌تواند مسلمین را نجات دهد؛ و پس از اشاره به

ص: 131

---

1- یادنامه علامه امینی ص 20. محمد رضا حکیمی، حماسه غدیر ص 209 و 319. نیز رجوع شود به: شهید مطهری، مجموعه آثار ج 25 ص 33.

اینکه شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یکی از آن عوامل است، می گوید:

کتاب الغدیر و محتویات غنی آن، چیزی است که سزاوار است هر مسلمانی از آن آگاهی یابد، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده اند و حقیقت کجاست. ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به اجر و ثواب نایل گردیم»<sup>(1)</sup>.

استاد علاء الدین خروفه، از علمای دانشگاه الازهر مصر می گوید: من تشنگی سخت و عشقی فراوان داشتم که فقه شیعه و اصول مذهبشان را بدانم، تا این شش جلد از کتاب [الغدیر] را خواندم، خواندن این کتاب در شناختن حقایق یاریم کرد.

استاد محمدرضا حکیمی نیز در این خصوص می گوید: «از روزی که نخستین جلد الغدیر - از چاپ نخستین آن منتشر شده است، محققانی که از این کتاب اطلاع یافته اند، آن را جزء مآخذ موثق خویش قرار داده اند - دهها بحث و مقاله و شعر و تقدیرنامه درباره کتاب و مؤلف و ارجمندی کار او، در مجلات، کتاب ها، فهرست ها، روزنامه های کشورهای اسلامی نوشته و منتشر شده است»<sup>(2)</sup>.

ص: 132

---

1- به نقل از: شهید مطهری، مجموعه آثار ج 25 ص 33.

2- محمد رضا حکیمی، حماسه غدیر ص 209 و 319 و ... نیز رجوع شود به: یادنامه علامه امینی، ص 20 و ...

در مورد برخورد معاویه با واقعه غدیر و امامت حضرت علی الله وقایعی نقل شده است، در اینجا دو نمونه از علامه امینی نقل می کنیم:

: «در روزگاری که معاویه بر خلافت امام علی یلا شورش کرده بود، معاویه به امام نامه ای نوشته بود از جمله اینکه:

من دارای فضائلی هستم، پدرم در جاهلیت بزرگ و آقا بود، در اسلام به پادشاهی رسیدم. خویشاوند پیامبر و دائی مؤمنین و نویسنده وحی الهی هستم»..

امیر المؤمنین علیه السلام و بعد از خواندن نامه فرمود:

آیا پسر هند جگر خوار به این فضائل بر من برتری می جوید؟! بعد به جوانی که نزدیکشان بود فرمودند بنویس: « محمد النبي اخی و صنوی .... »، تا آخر اشعار که متن و ترجمه اش، در نکته ش 24 گذشت.

و چون معاویه اشعار حضرت را خواند، امر کرد که از دسترس مردم شام دور نگه دارند، مبادا به سوی حضرت متمایل گردند».(1)

: امیر المؤمنین علیه السلام در ایام جنگ صفین نامه ای به معاویه نوشت و به

ص: 133

دست اصبع بن نباته داد که به او برساند. اصبع بن نباته می گوید: به مجلس معاویه داخل شدم در حالی که بر قطعه چرمی نشسته بود و بر دو بالش سبزی تکیه داده بود، در طرف راست او عمرو بن عاص و ... در طرف چپ او برادرش عتبه ابن ابی سفیان، ولید و ... و در برابرش، ابو هریره و ابو الدرداء و نعمان بن بشیر و ... نشسته بودند.

پس از آنکه معاویه نامه آن جناب را قرائت کرد، گفت: علی، قاتلان عثمان را به ما تسلیم نمی کند. اصبع می گوید: به او گفتم: ای معاویه خون عثمان را بهانه مگیر، تو جوئی پادشاهی و سلطنت هستی و اگر در زمان زندگی عثمان می خواستی او را یاری کنی این کار را انجام می دادی؛ ولی در کمین فرصت و در انتظار کشته شدن او بودی تا این امر را دستاویز رسیدن به مقصود (پادشاهی) قرار دهی.

اصبع گوید: معاویه از سخنان من در خشم شد و من خواستم خشم او بیشتر شود، لذا رو به ابی هریره کردم و به او گفتم: ای یار رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم، تو را سوگند میدهم به آن خداوندی که معبودی جز او نیست و دانای آشکار و نهان است و به حق حبیبش مصطفی، به من بگو، آیا روز غدیر خم را درک نمودی و حضور داشتی؟ گفتم: بلی حاضر بودم، گفتم چه چیزی درباره علی ی از رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم، شنیدی؟

گفت: شنیدم می فرمود: من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره، واخذل من خذله.

به او گفتم: بنابراین ای ابا هریره، تو با دوست او دشمن شدی و با دشمن

او دوست. در این موقع ابو هريره نفس بلندی کشید که حاکی از تأسف او بود و گفت: انا لله و انا الیه راجعون» . .

علامه امینی در ادامه می نویسد: « این روایت را حنفی در مناقب، ص 130 و صبط ابن جوزی در تذکره، ص 48 ذکر نموده اند». (1)

ص: 135

---

1- علامه امینی، الغدیر ج 1 ص 404 و 405.



در شریعت اسلام، یکی از کارهای سفارش شده « وصیت کردن » است که البته گاهی هم واجب می شود. اکثریت انسانهای عادی، چه رسد به شخصیت های مهم و تأثیر گذار، با دیدن نشانه های مرگ، به فکر «وصیت» می افتند و به خویشان و دوستان خود، توصیه ها و سفارشات می کنند.

در طول تاریخ، از تمامی بزرگان دینی، صلحاء، علماء و شهدا و ... کم و بیش « وصیت هایی » به یادگار مانده است. چرا که وصیت و سفارش، به ویژه از طرف شخصیت مهم و مؤثر، طبیعی، شایسته و گاه ضروری است.

حال، پرسش اساسی اینست: آیا پیامبر خاتم، که بالاترین شخصیت عالم امکان است و عاقل ترین، داناترین و تأثیر گذارترین شخصیت در جهان اسلام شمرده می شود، آیا، سفارش و وصیتی داشته یا نه؟

پیامبری که در مورد عادی ترین کارها، جزئی ترین امور، مثل آداب مسواک و خوردن و آشامیدن و دستشویی رفتن، سفارشات فراوانی نمود، در خصوص مدیریت پس از خود، سفارشی داشته یا نداشته اند؟

پیامبری که با آن دید الهی، اختلافها و تفرقه های پس از خود را می دید و پیش بینی می کرد، در خصوص نبود خود و پس از خود، آیا سفارشی نکرد؟

مگر نه اینست که پس از مرگ یک رئیس و بزرگی غالباً، اختلاف و تشتت پیش می آید و در مورد جانشینی، کشمکش و درگیری رخ می دهد و افراد ناشایست با صاحبان حق، به معارضه برمی خیزند؟

مگر نه اینست که: فهم، ادراک، تحلیل مطالب علمی و دینی، نگهداری و فراموشی افراد بشر، در بسیاری از موارد مختلف است؟

به این دلیل است که باورها، آداب و مقرراتی که در میان یک جامعه حاکم است، اگر ریشه ثابت، حافظ و نگهبان با ایمان و قابل اعتمادی نداشته باشد، در کمترین مدت، دچار تغییر و تحریف خواهد شد و کم کم اصالت خود را از دست داده و از بین خواهد رفت. این مسأله، در ادیان و مسلکهای گوناگون، در صورت های گوناگون، قابل مشاهده است.

برای پیشگیری از این خطر، از این تحریف و از این اختلاف برداشت ها، پیامبر اعظم، از همان روزهای نخست بعثت، تا لحظات مرگ، توصیه ها و سفارشات داشت.

آن حضرت برای بقاء و تداوم دین همیشگی و جهانی اسلام، مدرکی محکم و پابرجا و نگهبانان شایسته ای معرفی نمود. آری، آن عزیز دلسوزتر و عاقل تر از همه، کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام کرام خود را به مردم «وصیت» و سفارش نمود. به گزارش همه اندیشوران اسلامی، بارها فرمود: «من می روم و در میان شما در امانت پر بها می گذارم؛ یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت علیهم السلام و عترت من است، اینها هرگز از هم جدا نمی شوند و شما تا زمانیکه به اینها تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.»<sup>(1)</sup>

ص: 138

---

1- رجوع شود: علامه طباطبایی، خلاصه تعالیم اسلام، فصل امامت.



چه زیبا و شایسته است که جانشین رسول خاتم و را با کلمات نورانی خودش بشناسیم؛ در بخشی از خطبه 192 نهج البلاغه، معروف به (قاصعه) چنین آمده است (بخشی از سخنرانی حضرت در میان مردم):

من بودم که در دوران کودکی، بزرگان و اقویای عرب را زمین زدم و شاخهای بالا آمده «ربیع و مضر» را شکاندم.

شما موقعیت و رابطه مرا با رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم و از جهت خویشاوندی نزدیک و مقام و منزلت اختصاصی می دانید. پیامبر آغوش تربیتش را برای من گشود، در حالی که بچه ای کوچک بودم. مرا به سینه خود می چسباند و در رختخوابش جای می داد و بدن مبارکش را بر من، مس می فرمود و عطر پاکیزه خود را به مشام من می رساند.

گاهی چیزی می جوید و آن را به من می خوراند. آن حضرت هیچ دروغی در سخن من از من نشنید و خطایی در هیچ یک از کارهای من، نیافت.

من همواره به دنبال او (پیامبر) بودم، همان گونه که بچه شتر به دنبال مادرش می رود. آن برگزیده خدا در هر روزی که می گذشت، پرچمی نشانه ای از اخلاق برای من می افراشت و دستور می داد که پیروی از او نمایم. هر سال که در کوه حراء (در غار حراء) مجاور می گشت، من او را

میدیدم و کسی جز من او را نمی دید.

در آن روز، اسلام و مسلمانی در هیچ خانه ای نبود، مگر خانه رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم ها و خدیجه؛ و من سومین آنها بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم و عطر پیامبری را استشمام می کردم.

من ناله شیطان را در آن هنگام که وحی به آن حضرت شد، شنیدم. عرض کردم یا رسول الله! این ناله چیست؟ فرمود: ناله شیطان است که به جهت ناامیدی از اینکه عبادت شود، سر داده است. تو آنچه را من میشنوم میشنوی و آنچه را من میبینم می بینی، ولی تو پیامبر نیستی؛ بلکه وزیر من هستی و تو در مسیر خیر قرار گرفته ای ...

من از قوم و قبیله ای هستم که سرزنش هیچ سرزنش کننده ای آنان را در راه خدا از کار باز نمی دارد. چهره آنها، چهره صدیقان است و سخن آنان، سخن نیکوکاران. شب بیدار و هدایتگران روز هستند.

آنان هستند تمسک کنندگان به قرآن، که سنت های خدا و رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم را احیاء می کنند؛ نه علو و تکبر دارند و نه مردم را به زنجیر می کشند و نه فساد بر روی زمین راه می اندازند. دل های آنان در بهشت و تن و جسد ایشان، در کار و کوشش است»<sup>(1)</sup>.

ص: 140

---

1- نهج البلاغه، خطبه 192 (خطبه قاصعه). ترجمه مرحوم علامه جعفری.

رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم به سفارش نمود تا حاضران این خبر و این واقعه را به غایبان برسانند!

اهل بیت عصمت علیهم السلام و طهارت و در زنده نگه داشتن و تعظیم این واقعه و مساله « ولایت »، تلاش ها کرده و توصیه های فراوانی نمودند!

مطابق بیان امام عسکری و پیامبر خاتم ، علی ورا علم و نشانه قرارداد تا حق، گم نگشته و در اختلافات به او رجوع شود؟

آری، حدیث غدیر و امثال آن برای این بود که خط اسلام ناب، ادامه یابد و دین خدا تحریف نشود، گم نشود.

واقعه غدیر، الگوی زندگی نبوی و علوی را نشان میدهد. غدیر ، دریچه ای از نور است برای کسانی که طالب حق اند.

غدیر، راهنمای انسان در زندگی فردی و اجتماعی است. واقعه و حدیث غدیر، برای درمان دردهای بشر نسخه عمل است و نه اینکه داستان و رمانی دل انگیز باشد برای تفریح و تفتن.

گرچه در این روز، لبخند، عطر زدن، نظافت، شادی و .... عملی ارزشمند بوده و ثواب دارد ولی، آیا؟

آیا همه وظیفه یک مسلمان و یا شیعه همین است که، به به و چه چه

کرده و شادمانی و چراغانی کند؟ و فضائل آن حضرت را با آب و تاب شمرده و فخر بفروشد و از دشمنان او بیزاری جوید و دیگر هیچ!

آیا غدیری شدن و پیمان بستن با علی لا در حد تبسم، شاد کردن دیگران و فخر فروشی است و بس؟

آیا دستور پیامبر خاتم که فرمود: به کتاب و اهل بیت من چنگ بزنید و همیشه به علی و آل علی لا تمسک کنید و از خط علی دور نیافتید، شامل ما نمی شود و مال دیگران بود؟

به تصریح پیشوایان شیعه و شاگردان ایشان، غرض اصلی و نهایی در احیاء «غدیر» و تبلیغ آن، تمسک عملی و عینی به آل محمد و و پیروی همه جانبه از اهل بیت علیهم السلام و است. البته، این پیروی عینی از ایشان، نمی تواند بدون معرفت و محبت به ایشان باشد؛ همچنانکه، آن حب و علاقه به علی و آل علی و در صورتی کامل و یا معقول است که با تبعیت از ایشان، پیوند خورده باشد.

اسلام ناب یعنی، روش زندگی را بر اساس کتاب خدا و سفارش های پیامبر و اهل بیت علیهم السلام او، تدوین و تنظیم کردن. اسلام اصیل یعنی، قلب و قالب، جوارح و جوانح در خدمت «تقلین» باشد؛ نه اینکه از قرآن به قرائت آن و از اهل بیت علیهم السلام، به مداحی صرف، بسنده شود.

آری، غرض پیامبر خاتم و این بود که در برنامه های فردی و اجتماعی و سبک زندگی از کتاب خدا و اهل بیت علیهم السلام او پیروی کرده و از ایشان فاصله نگیریم.

این نوشته را با بیان چند نکته خاتمه می دهیم:

یکم. ائمه اطهار و هر کسی را به عنوان « شیعه » و تابع نمی پذیرفتند؛ شیعه» به نظر آنها کسی است که مطیع فرمان خدا باشد، از هوای نفس دوری کرده و به تعالیم پیشوایان خود عمل کند.

« خیشمة » می گوید: به حضور امام باقر له شرفیاب شدم تا با ایشان خداحافظی کنم، به من فرمود: «... ای خیشمه! به دوستان ما برسان که ما هیچ کاری را برای نجات از ناحیه خداوند نمی توانیم انجام دهیم، مگر با عمل صالح خودشان؛ آنان مسلما به ولایت و دوستی ما نمی رسند مگر با ورع و پرهیز کاری.

در روز قیامت، بیش از همه، کسی حسرت خواهد خورد که عدالت را برای دیگران وصف کرده و ستوده، ولی خودش با آن مخالفت نموده است»<sup>(1)</sup>.

نیز حضرت باقر العلوم در موضعی دیگر به جابر جعفری می فرماید: «ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیع می کند، این سخن او که دوستدار اهل بیت علیهم السلام هستم، کافی است؟ فوالله ما شیعتنا الا من إتقى الله و أطاعة: به خدا سوگند! شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیز کار بوده و اطاعت از خدا کند.

آری، کسی که مطیع خدا باشد، او با ما دوست است و کسی که نافرمانی خداوند کند، دشمن ما است و به ولایت و دوستی ما، جز با عمل و

ص: 143

---

1- صول کافی ج 2، باب زیارة الاخوان. به نقل از علامه محمد رضا مظفر، عقائد الامامية، بخش: مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام.

## دوم. بیانی از امام خمینی

« زنده نگه داشتن این عید نه برای این است که چراغانی بشود و قصیده خوانی بشود و مداحی بشود، اینها خوب است، اما مسأله این نیست. مسأله این است که به ما یاد بدهند که چگونه باید تبعیت کنیم، به ما یاد بدهند که غدیر منحصر به آن زمان نیست، غدیر در همه اعصار باید باشد و روشی که حضرت امیر در این حکومت پیش گرفته است باید روش ملتها و دست اندر کاران باشد».

تمسک به ولایت امیرالمؤمنین چی هست؟ یعنی ما همین را (دعای الحمد لله الذي جعلنا...) بخوانیم و رد بشویم؟ حکومت، تمسکش به ولایت امیر المومنین علیه السلام، این است که آن عدالتی که امیر المؤمنین علیه السلام اجرا می کرد، این هم به اندازه قدرت خودش اجرا کند. به مجرد اینکه ما بگوییم ما متمسک هستیم به امیر المومنین علیه السلام، این کافی نیست، این تمسک نیست اصلش.

مردم ما هم که این دعا را با این فقره را می خوانند آنها هم باید توجه کنند به اینکه، تمسک به ولایت حضرت امیر برای آنها، تبعیت از مقاصد اوست.

همین طور گفتند که ما شیعه علی هستیم، و همین که گفتند ما متمسک به ولایت امیرالمؤمنین هستیم، این کافی نیست، نمی شود این. این امور، اموری نیست که لفظی باشد و با الفاظ و با عبارات بتوانیم ما بگوییم تحقق

ص: 144

---

1- اصول کافی ج 2، باب الطاعة و التقوی. به نقل از علامه محمد رضا مظفر، عقائد الأمامیة، بخش مکتب تربیتی اهل بیت علیهم السلام

پیدا کرده است؛ اینها یک امور عملی است، یک حکمت عملی است اینها. باید کسانی که مدعی هستند که ما شیعه امیر المؤمنین علیه السلام هستیم، تبع او هستیم، باید در قول و فعل و نوشتن و گفتن و همه چیز تبعیت از او داشته باشند. اگر این تبعیت نباشد و ما بگوییم که ما شیعه هستیم، یک گزافی گفته ایم، یک الاطایلی گفته ایم» (1).

سوم. رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای (حفظه الله)

« معنای ولایت چیست؟ به طور خلاصه معنایش این است که اسلام، در نماز و روزه و زکات و اعمال فردی و عبادات خلاصه نمی شود. اسلام دارای نظام سیاسی است و در آن حکومتی بر مبانی مقررات اسلامی پیش بینی شده است. در اصطلاح و عرف اسلامی، نام حکومت، «ولایت» است. ولایت، چطور حکومتی است؟ ولایت، حکومتی است که در آن، شخص حاکم با آحاد مردم دارای پیوندهای محبت آمیز و عاطفی و فکری و عقیدتی است».

مسأله غدیر، فقط مسأله شیعه نیست؛ مسأله مسلمانان، بلکه مسأله همه انسان هاست. آنهایی که بیندیشند، می دانند که این خط روشن، خطی است که متعلق به همه انسانهاست؛ جز این راهی وجود ندارد. اگر قدرت در اجتماعات انسانی دست شیطان صفتان باشد، دنیا به همان راهی می رود که شما امروز مظاهر آن را در دنیای مدرن مشاهده می کنید. هر چه دنیا مدرن تر بشود، خطر آنگونه حکومت ها بیشتر می شود.

این تمسک را باید هر چه بیشتر کنیم. اساس کار تمسک به ولایت هم،

ص: 145

تمسک به ارزش های اسلامی است. هر چه را که در اسلام ارزش است، باید در صدد باشید در عمل جذب کنید. چه ارزش های فردی - چه ارزش های اجتماعی که مربوط به جامعه است - مانند ارزش های سیاسی، اقتصادی و بین المللی - و چه ارزش هایی که مربوط به آداب و عادات عمومی است.

ببینید اسلام کدام خصوصیت و عمل را ارزش دانسته است؛ آن وقت سعی در پیاده کردن آن داشته باشید. به تعبیر دیگر، آن ارزش ها را در محیط کار، در انتخاب همکاران، در اجرای مأموریت و در تهیه کردن طرح برای بخشی که مشغول کار در آن هستید، حتما اعمال کنید. این به معنای تمسک کامل به ولایت است»<sup>(1)</sup>.

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين عليه السلام

ص: 146

---

1- بخشی از سخنان رهبری در «عید غدیر»، سال 1373 و 1374.



1. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب.
2. ازدي طحاوی، أبي جعفر أحمد بن محمد، العقيدة الطحاوية، بتصحيح و تعليق: نجم الدين در كانی.
3. أمینی، عبدالحسين الغدير في الكتاب و السنة و الادب، قم، مركز الغدير للدراسات الاسلامية، 1921ق.
4. انصاری، محمد محمد انصاری، غدير در آيينه كتاب، قم، انتشارات دليل ما.
5. تيجانی، محمد؛ ثم إهديت .... (آنگاه هدايت شدم).
6. جوادى آملی؛ شميم ولايت، قم، نشر إسرائ. 7 حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشيعة. 8 حر عاملی، محمد بن حسن؛ إثابة الهداة.
9. حسینی تهرانی، محمد حسين، امام شناسی.

10. حکیمی، محمدرضا؛ حماسه غدیر.
11. خامنه ای، سید علی؛ سایت «لیدر»
12. خمینی، روح الله؛ صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1378 ش.
13. دائرة المعارف تشیع، گروه نویسندگان
14. ربانی گلپایگانی، علی؛ براهین و نصوص امامت، قم، نشر راند، 1390 ش.
15. سبجانی، جعفر؛ عقاید اسلامی، قم، بوستان کتاب، 16. شعرانی، میرزا ابوالحسن؛ شرح تجرید الاعتقاد، 17. طباطبایی، محمد حسین؛ شیعه در اسلام، قم، نشر واریان، چ چهارم، 1386 ش.
18. طباطبایی، محمد حسین؛ خلاصه تعالیم شیعه، قم، دارالتبلیغ، 1356 ش.
19. عسکری، مرتضی؛ ولایت علی ع در قرآن کریم و سنت پیامبر ص قم، دانشکده اصول دین، چ پنجم، 1629 ق.
20. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
21. مطهری، مرتضی؛ امامت و رهبری، تهران، نشر صدرا.
22. مطهری، مجموعه آثار، ج 20، تهران، نشر صدرا.
23. مظفر، محمدرضا؛ عقائد الامامیه، قم، انصاریان، 1388 ق. 24. ملک محمدی، حسن؛ هزار نکته درباره غدیر .

25. ملكى تبريزى، ميرزا جواد؛ المراقبات.

26. هندی نيشابورى، مير حامد حسين؛ عبقات الانوار في إثبات إمامة الأئمة الاطهار، قم، نشر محقق، 1404ق.

27. وشنوى، قوام الدين؛ رساله حديث الثقلين، قاهره، دارالتقريب بين المذاهب الإسلامية، 1376ق.

ص: 149

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

